

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۰)

انتظار عامل مقاومت

حضرت آية الله العظمى صافي گلپايگانی رحمته الله عليه

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله،  
 عنوان و نام پدیدآور : انتظار عامل مقاومت / صافی گلپایگانی.  
 وضعیت نشر : [ویراست ۲].  
 مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.  
 مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.  
 فرست : سلسله مباحث امامت و مهدویت؛ ۱۰.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵۸۲-۷ / ۳۰۰۰۰ ریال  
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
 یادداشت : کتاب حاضر با عنوان "انتظار عامل مقاومت و حرکت" نیز منتشر شده است.  
 یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۰۳] - ۱۰۶  
 عنوان دیگر: : انتظار عامل مقاومت و حرکت.  
 موضوع : مهدویت - - انتظار  
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۲ الف ۹ ص ۲ / ۴ / BP۲۲۴  
 رده‌بندی دیویی : ۲۹۷ / ۴۶۲  
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۱۲۶۹۰

## دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته

- نام کتاب: ■ انتظار عامل مقاومت
- مؤلف: ■ حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌الوارف
- چاپ اول: ■ صفر ۱۴۳۵ / پاییز ۱۳۹۲
- ویراست نخست ۳۵ سال پیش توسط انتشارات اندیشه منتشر گردید و پس از آن تاکنون چندین نوبت توسط مراکز مختلف به چاپ رسیده است.
- شمارگان: ■ ۳۰۰۰
- بها: ■ ۳۰۰۰ تومان
- شابک: ■ ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۱۰۵ - ۸۲ - ۷
- سایت الکترونیک: ■ [www.saafi.net](http://www.saafi.net)
- پست الکترونیک: ■ [saafi@saafi.net](mailto:saafi@saafi.net)
- آدرس پستی: ■ قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱
- تلفن: ■ ۳۷۷۲۳۳۸۰ (۰۲۵)

## فهرست مطالب

مقدمه	۵
پیشگفتار	۱۱
پیام منتظر	۱۷
مناجات و نیایش	۲۳
به سوی هدف‌های اسلامی	۳۷
پیروزی اسلام بر همه ادیان	۴۰
انتظار، عامل پایداری در برابر رهبری‌های فاسد	۴۷
انتظار و وعده الهی	۵۳
آینده جهان در کلام الهی	۵۸
انتظار، عامل مبارزه با فساد و انحراف	۶۷
حرمت بازگشت به فرهنگ جاهلی	۷۱
مقاومت، در برابر بازگشت به جاهلیت	۷۷
ارزش انتظار در قرآن و حدیث	۸۱
ارزش انتظار	۸۵
اسلام و انتظار	۸۷

- ۹۵.....انتظار جامعه شیعه
- ۹۸.....عامل بقا
- ۹۸.....دیدگاه وسیع
- ۱۰۰.....نیمه شعبان

۱۰۳.....کتابنامه

۱۰۷.....آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌الوارف در یک نگاه



مقدمه



## مقدمه

### بسمه تعالی و له الحمد

پس از رحلت رسول خدا ﷺ و شهادت امیرالمؤمنین و سیدالشهدا علیه السلام تا امروز، ریشه تمام حرکات و نهضت‌های شیعه و مسلمین، علیه باطل و استعمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است. از متن کتاب

انتظار، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام‌زمان علیه السلام، و شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت علیه السلام، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه گرفته، و در وجود انسان شعله می‌کشد و انواع دگرگونی‌ها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان ایجاد می‌نماید که بحث و سخن از آنها نیازمند به حال و مجال بیشتری است.

این کتاب که در مقام بیان ارزش و اهمیت انتظار مؤمنین برای ظهور

مولا، حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام می باشد، در بررسی اثرات انتظار، به تبیین تأثیرات اجتماعی آن پرداخته، این امر را از زوایای گوناگون روشن می سازد، و تعهدات و وظایف یک منتظر را در قبال مقدمات ظهور و جامعه جهانی و مسلمین آشکار می گرداند.

این کتاب که نخستین بار، سال ها پیش تر از این، در دوره ننگین طاغوت منتشر شده بود، هم اکنون برای بار دیگر با تغییراتی اندک به خدمت منتظران و علاقه مندان به آستان قدس امام زمان، حضرت ولی عصر علیه السلام تقدیم می گردد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَحْلِفُ آخِرِينَ»<sup>۱</sup>

«سپاس خدا را که بیمناکان را آسودگی و ایمنی، و شایستگان را رهایی می بخشد و مستضعفان را بالا می برد و بلندمرتبه می گرداند، و مستکبران را خوار و پست و پادشاهانی را هلاک می کند، و دیگران را به جای آنها می نشاند.»

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۲</sup>

«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق

۱. طوسی، مصباح المتهجد، ص ۵۷۹ - ۵۸۰؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۴۰ (دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی علیه السلام).



فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!».

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ  
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

«در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!».

قال رسول الله ﷺ:

«ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ:

أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا،

وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ، لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ،

وَأَنْ يَكْرَهَ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ

مِنْهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ»<sup>۲</sup>

«سه صفت است که در هر کس باشد شیرینی ایمان را چشیده است:

۱- خدا و پیامبر خدا نزد او، از هر چیز و هر کس محبوب‌تر باشند

۲- هر کس را دوست دارد، برای خدا دوست داشته باشد.

۳- بعد از نعمت اسلام، از بازگشت به کفر (ارتداد

و ارتجاع) کراهت داشته باشد، چنانچه افکنده‌شدن در

آتش را کراهت دارد».

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۹ - ۱۰؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۵۲۴.



پیشگفتار





## بسم الله الرحمن الرحيم

درک صحیح، شناخت درست، توجیه و تعبیر معقول، تفسیر دقیق و واقعی الفاظ و واژه‌ها و اصطلاحات اسلامی، بر هر مسلمان و هر کس که بخواهد به روح تعالیم اسلام، حقیقت مکتب، برنامه‌های تربیتی، اجتماعی، اخلاقی، مدنی، معنوی و مادی آن آشنا شود، لازم است. چنانچه فهم جوانب ایجابی و سلبی و مثبت و منفی دین، ارتباط آن با عمل و ترقی و کمال، بهبود زندگی، عدالت اجتماعی، بهتر زیستن و ظهور ارزش‌های انسانی، همه‌وهمه منوط به دریافت درست این اصطلاحات است.

اگر مفاهیم واقعی واژه‌های اسلامی و معانی آنها درک شود، اشتباهات و سوءتفاهماتی که در شناخت دین و مقاصد آن برای جمعی پیش آمده، مرتفع گشته و هدف‌های واقعی و مقاصد حقیقی دین معلوم می‌گردد. و اگر الفاظ و اصطلاحات دینی به‌طور صحیح درک نشود و با مفاهیم نادرست عرضه شود و نادانان یا مغرضان، آن را به‌صورت دیگر جلوه دهند، زیان آن از گمراهی صریح کمتر

نخواهد بود؛ زیرا موجب سوءظن و بدگمانی و برداشت‌های غلط و ناروا از دین می‌گردد؛ تا آنجا که مترقی‌ترین و کامل‌ترین مکتب را عامل انحطاط، زبونی، بی‌عدالتی و نابرابری می‌پندارند؛ و حقیقتی را که عامل ایجابی و عملی و نشاط‌بخش و انقلابی است، عامل سلبی و منفی و رکود و سکون و وقوف و کناره‌گیری می‌شمارند.

از این نظر، معرفی مفاهیم واقعی هدف‌ها و تعلیمات و ارشادات دینی در هر رشته، و ارتباط آن با عمل و اخلاق و تحرک و فعالیت و کوشش و مبارزه و مقاومت و جهش و پیشرفت، کمال اهمیت را داراست؛ به‌خصوص در زمان ما که بیگانگان می‌خواهند با تلقینات و تبلیغات سوء و غرض‌آلود، جامعه و به‌ویژه نسل جوان را گمراه و از آگاهی‌های کافی پیرامون اصطلاحات و شعائر دین محروم نمایند، در معرفی مفاهیم یادشده، توجه و دقت بیشتر لازم است.

این مفاهیم که انحراف از درک حقایق آنها مساوی با گمراهی در اصل دین، و یا رشته‌های اساسی و مهم آن است و باید نسل جوان که جویای حقیقت و طالب کمال و ترقی و آگاهی است، در فهم آن یاری شود، بسیار است، مانند:

زهد، قناعت، توکل، تسلیم، قضاوقدر، علم غیب، شفاعت، ولایت، خلافت، امامت، وصایت، تقیه، دعا، زیارت، نظام مستمر حکومتی اسلام در عصر حضور امام و عصر غیبت، فلسفه غیبت امام، روش

تشیع و شیعه‌بودن، مرجعیت و ... و از جمله: انتظار ظهور یا انتظار فرج و قیام حضرت مهدی اهل بیت و قائم آل محمد علیه السلام است.

اگرچه اصالت مفهوم این انتظار، هنوز کم‌وبیش و به‌حسب مراتب معارف و آگاهی‌های افراد، در اذهان محفوظ مانده است؛ ولی به گمان بسیاری، تلقی و برداشت اکثر جامعه از آن - چنان‌که باید - سازنده و مثبت نیست و جوانب سلبی و منفی آن نیز که از تعلیمات اساسی و مترقی اسلام و مبارزات سلبی رهبران دین سرچشمه می‌گیرد، نادرست و غیر از آنچه باید باشد، عرضه شده است و در جهت جنبش و تحرک، قدم به پیش نهادن، مجاهده، امر به معروف و نهی از منکر، ثبات قدم و پایداری، حبّ فی الله (محبت به خاطر خدا)، بغض فی الله (دشمنی به خاطر خدا) و قطع رابطه با اعداء الله از آن بهره‌برداری نشده؛ بلکه آن را عامل سکون و سکوت، سازش‌کاری، وقوف، تسلیم، مدارا کردن با ستمگران، رضایت‌دادن به وضع موجود و فراموش نمودن اهداف عالی اسلام معرفی کرده بودند.

جشن و چراغانی نیمه شعبان و خواندن دعای ندبه را وسیله خاموش کردن آتش اعتراض، و ایجاد آرامش موقت و مسکن نگرانی‌ها و نارضایتی‌های جامعه از بی‌عدالتی‌ها و فشارها و نابرابری‌ها و مفساد دیگر می‌پنداشتند، که شور و هیجانی را که باید بر قوت و حدّتش افزود تا همه تباهی‌ها و نابسامانی‌ها و بشرپرستی‌ها و استعبادها

و استضعاف‌های گوناگون را بر باد دهد، فرو می‌نشانند و بر آتش روحانی و مقدسی که اسلام برای سوختن کاخ‌های ستم و استضعاف برافروخته و باید همیشه روشن و روشن‌تر شود، آب می‌ریزد.

لذا برای رفع هرگونه سوءتفاهم و درک مفهوم واقعی انتظار و تأثیر آن در اصلاح اجتماع؛ بلکه انقلابات اجتماعی و سیاسی و تقویت اراده و تربیت افراد مبارز و سرسخت و شکست‌ناپذیر، و شناخت فلسفه مراسم جشن و چراغانی و خواندن دعای ندبه و توسلات و توجهات، و عرض ادب‌ها به ساحت مقدّس و باعظمت حضرت بقیة‌الله فی الارضین علیه‌السلام بخشی از کتابی را که در دست تألیف دارم، به کسانی که می‌خواهند از مفهوم صحیح انتظار، ظهور و ارزش حقیقی آن آگاه گردند، تقدیم می‌نمایم.



پیام منتظر





## پیام منتظر<sup>۱</sup>

بیا صبا بپر از این گدا یکی پیغام  
به سوی پادشه مُلک جان، امام انام  
که ای طفیل وجود تو آنچه در گیتی است  
که ای یگانه دوران و مفخر ایام  
کنون که صفحه گیتی است پر ز جور و ستم  
ز عدل و داد به عالم نمانده غیر از نام  
فساد کرده جهان را چو شام هجران تار  
صلاح رفته چو روی تو در حجاب غَمام<sup>۲</sup>  
چه شامها که به امید وصل گشت سحر  
چه صبحها که نمودیم در فراق شام  
تو آفتاب وجودی، روا مدار دگر  
به زیر سایه غیبت کند رخ تو مقام

---

۱. اشعار از قصیده «پیام منتظر» از دیوان عالم فقیه، مرحوم آیت الله آقای آخوند ملا محمدجواد صافی رحمته الله علیه والد مؤلف کتاب است.

۲. غمام: ابر تیره.

نهیم در ره تو چند دیده امید  
در انتظار تو تا کی به سر بریم ایام؟  
خوش است گر بنمایی به عاشقان رویی  
که جلوه‌ایش کند زنده دل خواص و عوام  
به کعبه تکیه نمایی و مخلصان بینی  
پی طواف درت بسته سر به سر احرام  
در آ ز پرده که از دین نماند رسم و اثر  
به جان دشمن دون، زن شرر ز برق حسام<sup>۱</sup>  
بیا که از تو شود پر ز عدل و داد جهان  
بیا که از تو شود، فتنه جهان آرام  
بیا که از تو شود نسخ، رسم استبداد  
جهان در آید به زیر پرچم اسلام  
بیا که منتظران را به لب رسید نفس  
بیا که طاقت ما طاق گشت و صبر تمام  
بیا و قطع نما ریشه‌های استضعاف  
برای یاری دین خدا، نما اقدام  
به یک نظر ز تو من قانعم شها، لطفی  
خجسته آن که به دیدار خود کنی اش اکرام

جنود جهل نموده است روح من تسخیر

هوای نفس ز عqlم ربوده است زمام

کنم چه چاره به محشر ولات حین مناص<sup>۱</sup>

کجا پناه برم من، و لیس لی معصام<sup>۲</sup>

مگر ولای تو زین مستمند گیرد دست

به این وسیله ز یزدان نمایم استرحام<sup>۳</sup>

اگر به «صافی» مسکین نظر کنی شاید

که از ولایت تو یافت دینش استحکام

---

۱. «و نیست آن زمان، زمان فرار و نجات».

۲. «و نیست برای من پناهگاه».

۳. استرحام: طلب رحمت و دلسوزی.





مناجات و نیایش





## مناجات و نیایش

«اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يُسْتَحْفَى بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ»؛<sup>۱</sup>

«خدایا به سبب ظهور مهدی منتظر علیه السلام دین خود و سنت پیغمبر را آشکار کن، آن چنان که از بیم احدی از خلق، چیزی از حق پنهان داشته نشود، و حق گویبی و حق پرستی در همه جا و برای همه کس آزاد باشد».

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي ذَوْلَةِ كَرِيمَةٍ، تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُدِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛<sup>۲</sup>

«خدایا! ما از تو دولت با کرامتی می خواهیم که به آن،

---

۱. طوسی، مصباح‌المتهجد، ص ۵۸۱؛ ابن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۱۴۲ (دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی علیه السلام).

۲. طوسی، مصباح‌المتهجد، ص ۵۸۱؛ ابن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۱۴۲ (دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی علیه السلام).

اسلام و اهل اسلام را عزیز گردانی، و نفاق و اهل نفاق  
را خوار سازی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان  
به سوی طاعتت و رهبران به سوی راهت قرار دهی،  
و کرامت دنیا و آخرت را برای ما روزی فرمایی».

خدایا! تو را سپاس می‌گوییم و هر کار و هر سختی را فقط با نام تو آغاز  
می‌کنیم و جز تو را نیایش و پرستش نمی‌نماییم و از غیر تو یاری نمی‌خواهیم.  
چقدر از حقیقت و آزادی دور افتاده‌اند آنان که سخنان و کارهایشان  
را به نام سرکشان و ستمگران می‌گشایند و به شرک و بت‌پرستی  
می‌گیرند، و در برابر نابکاران و استضعاف‌گران به تملق و چاپلوسی  
و مدح و نیایش می‌ایستند و شرافت انسانیت خود را به طمع مال  
و مقام نابود می‌کنند.

خدایا! به بندگان برگزیده و نیک و فروتن که وجودشان از استکبار  
و استثمار و استبداد و استضعاف دیگران منزّه است، و به نمونه‌های  
رحمت و مهر و برابری و برادری و انسان‌دوستی و خیرخواهی؛ به  
پیامبرانی که برای راهنمایی بشر و آزادی انسان‌ها از ذلت و اسارت  
فرستاده‌ای، خصوصاً گرامی‌ترین و عزیزترین بنده‌ات، سرحلقه اصفیا،  
خاتم انبیا محمد مصطفی و خاندان پاک و پاکیزه‌اش درود می‌فرستیم  
و به آن شخصیت عظیمی که به فرمان تو کاخ‌های ستمگران را ویران،  
و بیدادگری و فساد و استبداد را ریشه‌کن می‌سازد و جهان را در پناه

حکومت اسلام و نظامات قرآن، از شرّ کفر و شرک و رژیم‌های فاسد و نظامات استعبادی و غیرانسانی نجات می‌دهد، حضرت ولی عصر و امان دهر، صاحب‌الامر حجة بن الحسن العسکری علیه السلام صلوات و سلام عرض می‌کنیم.

خداوندا! این آیه از کتاب بزرگ توسل:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ  
وَنَجْعَلَهُمْ آيَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛

«و چنین می‌خواهیم که بر آنان که در زمین به

استضعاف گرفته شده‌اند، منت گذاشته و آنان را

پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».

بارالها! تو وعده داده‌ای به آنان که در این زمین استضعاف می‌شوند و حقوق و آزادی و موجودیت‌شان مورد تعرض و دستبرد واقع می‌شود، منت گذاری و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهی.

تو خواسته‌ای که ضعیفان، و آنان که از حقوق خود محروم شده‌اند، با ظهور مهدی علیه السلام ناگهان به پا خیزند و انقلاب کنند و با بزرگ‌ترین نهضت آزادی‌بخش، طاغیان و یاغیان و جباران را از صفحه زمین براندازند و به حیات زورمندان ستم‌کیش و قوی‌پنجه‌گان ددمنش پایان دهند، و قصرهایشان را بر سرشان ویران، و جهان را از آلودگی عناصر کثیف ناپاک، پاک سازند.

آفریدگارا! تو وعده داده‌ای که مؤمنان و بندگان صالح و شایسته‌ات را به رهبری مهدی آل محمد علیهم‌السلام در زمین خلافت دهی، تا نهضت جهانی اسلام را علیه بیدادگران و کسانی که حقوق ضعفا را پامال، و بر آنها به زور حکومت می‌کنند.

و علیه سرمایه‌دارانی که اموال ملت‌ها را به یغما برده و رباخوارانی که با سرمایه‌گذاری در بانک‌ها، خون نیازمندان بی‌نوا را مکیده و به تهیدستان و افتادگان رحم نمی‌نمایند.

و علیه دانشمندانی که علم خود را وسیله کسب مال و جاه، و تقرب به فرمانروایان، و توجیه تجاوزات آنها قرار داده، و در برابر منکرات و ستمگری‌ها و فحشا و هتک نوامیس و تجاوز به احکام تو، قفل خاموشی بر دهن زده‌اند.

و علیه آنان که با حکومت و احکام تو مخالفت می‌کنند.

و علیه اجتماعات فاسدی که زن و مردش در منجلاب فساد و فحشا، نابکاری، بی‌عفتی و بی‌حجابی و خودفروشی غوطه‌ور شده‌اند، آن‌چنان انقلابی بی‌امان و دگرگون‌کننده و وسیع و همه‌جانبه برپا کنند که به تمام بدبختی‌ها، نابسامانی‌ها، نابرابری‌ها، بوالهوسی‌ها و تبعیضات خاتمه دهند، و رعب و وحشت و ترس و بیم بشر را از شکنجه و آزارهای روحی و جسمی، به امن و آرامش تبدیل سازند.

خدایا! این سخن محکم و مؤکد توست:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند وعده داده است که حتماً ایشان را در زمین جانشین و خلیفه قرار دهد - همان گونه که پیشینیان را خلافت بخشید - و دینشان را که برایشان انتخاب کرده و پسندیده است، پابرجا و برقرار سازد و آن چنان ترس و ناامنی آنان را به آرامش و امنیت تبدیل کند که فقط مرا پرستیده و هیچ چیز را شریک من قرار ندهند.»

الها! پایان امور از برای تو و بازگشت همه به سوی تو و سرانجام نیک برای بندگان و پرستندگان توست، آنان که زمامداری و حکومتشان بر اساس پرستش تو و نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دین توست. آنان که در قرآن مجید در توصیفشان فرموده‌ای:

﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا

الرَّكَاءَةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ  
عَاقِبَةُ الْأُمُورِ<sup>۱</sup>؛

«آنان که اگر در زمین مستقرشان سازیم، نماز به‌پا  
می‌دارند زکات می‌دهند، امر به معروف و نهی از منکر  
می‌کنند، و پایان امور از برای خداست».

خدایا! تو اراده کرده‌ای که فرعونیان و هامانیان جهان را به کیفر برسانی  
و روز سیاهی را که از آن بیم دارند، به آنها بنمایی. تویی که فرموده‌ای:

﴿وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمَا  
كَانُوا يَحْذَرُونَ<sup>۲</sup>؛

«و نشان دهیم به فرعون و هامان و لشکریانش، آنچه  
را بیم داشتند».

خدایا! تو می‌دانی که در جهان، کسانی که تو را می‌پرستند و به  
عدالت، انسانیت، شرف، فضیلت و حقیقت ایمان دارند، مستضعف  
شده، و مستکبرین شرق و غرب و آنها که از تو بیگانه‌اند و اندیشه‌های  
شیطانی و آرمان‌های حیوانی دارند، قوی‌پنجه و سرکش گشته‌اند.  
پروردگارا! تو آگاهی که ضعیف شمرده شدگان، از دست  
استضعاف‌گران و ستمگران چه می‌کشند و تو می‌دانی که زورمندان  
برای زیردستان، هر روز و شب چه نقشه‌های جنایت‌کارانه طرح

۱. حج، ۴۱.

۲. قصص، ۶.

می‌کنند و تو دانایی که اگر از عدل، صلح، آزادی، مساوات، انقلاب، همکاری، همزیستی، دموکراسی، سوسیالیزم، رفاه و هر لفظ و اصطلاح دیگر دم می‌زنند، دروغ می‌گویند و این الفاظ را بهانه‌ای برای رسیدن به مقاصد خائنانه و تسلط بر بندگان تو و غارت کردن ثروت و ذخایر مالی و معادن آنها کرده‌اند.

تو می‌دانی که زورمندان بزرگ، همان‌ها که پرونده‌های خیانت و آلودگی‌ها و شهوت‌رانی‌هاشان، کثیف‌ترین و رسواترین پرونده‌ها است، چگونه می‌خواهند دنیا را یک لقمه کنند و خود و گروهشان، آن را یک‌جا ببلعند. و تو می‌دانی که سرمایه‌داران بزرگ دنیا - که بیشتر یهودی و یهودی‌منش هستند و دارایی‌های بی‌حساب را از غصب اموال کارگران مظلوم و توده‌های محروم اندوخته کرده‌اند و بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علم و اخلاق بشر مسلط شده‌اند - همه را در مسیر ارضای شهوات و اندوختن سرمایه استخدام کرده‌اند و چه جنایت‌ها و قتل‌عام‌ها می‌کنند و چه جنگ‌هایی را برپا کرده و چه خون‌هایی را می‌ریزند. صدها هزار انسان بی‌گناه را در فلسطین از خانه و کاشانه خود آواره کرده و در بیابان‌ها و صحراها سرگردان ساخته و هر روز هم به بهانه‌ای به آنها حمله‌ور می‌شوند، و زن و بچه و کوچک و بزرگشان را می‌کشند.

بارالها! تو می‌دانی که تبعیضات نژادی چگونه به زور اقویا و زمامداران ملل متمدن نما، هنوز هم که هنوز است، قیافه زشت خود را نشان می‌دهد.

تو دانایی که بانوان به اسم آزادی و مساوات، غیر متساوی در اسارت افتاده و وسیله اطفای شهوت مردان شده، و امنیت و آسایش ندارند، و از حقیقت مقدّس و رمز متعالی رابطه ازدواج و محیط انس و اطمینان و پر مهر و لطف خانواده محروم شده‌اند، و روزبه‌روز این تمدن منحوس یا توحش قرن ام، آنها را به سوی سیاه‌چال‌های سقوط پرت می‌کند.

تو آگاهی که در فرهنگ و تمدن غرب و شرق، غیرت، همت، فداکاری، عفت و نجابت، حجاب، حیا و آزر، چسان مفهومی مسخره و مبتذل و بی‌ارزش شده است که از آن چیزی جز لفظ باقی نمانده است.

خدایا! اگر ما به پا نخیزیم و بنشینیم و این همه صحنه‌های گمراهی و تباهی را در جهان بینیم و تکان نخوریم، در پیشگاه تو به شدت مسئول و مقصّریم.

همه سنت‌هایی که تو برقرار کرده‌ای، یار مظلومان و محرومانی هستند که برای برپاداشتن حق و مبارزه با جهل و ظلم و باطل قیام می‌کنند و جنود و امدادهای تو، همه پشتیبان حق‌پرستان و عدالت‌خواهان می‌باشند و برای نابودی ظلم و باطل، و ایجاد و گسترش حکومت حق و عدل، در کنار اهل حق و مجاهدان واقعی قرار دارند.

تو از مطبوعات دنیا، سینماها، مراکز فساد و فحشای سیاست‌ها، بازرگانی‌ها، فرهنگ‌ها و تعلیم و تربیت‌ها، و از همه اوضاع آگاهی



و می‌بینی که همه این نمونه‌ها، مظاهر انحطاط فکر بشر و گرایش او به سوی حیوانیت شده است.

جهان به دو جبهه تقسیم شده است: جبهه زورمندان و استضعاف‌گران و جبهه اکثریت استضعاف شده.

خدایا! ما نمی‌دانیم وقت ظهور فرا رسیده یا نه؟! اما این قدر می‌دانیم که مستضعفیم، و اگر آن انقلاب تمام عیار مهدی آل محمد علیهم‌السلام و قتش نرسیده باشد، تو باید به ما همت و نهضت و شوق دهی تا به پا خیزیم و مشعل علم و هدایت اسلام را به دست گرفته و با همراهی و همکاری صدها میلیون مستضعف خداپرست، با صفوف فشرده و متحد، دین تو را یاری کنیم و احکام تو را حاکم سازیم و قرآن را منبع الهام و حرکت خود قرار دهیم و به سوی آینده‌ای درخشان و اسلامی که نشانه آینده تابناک عصر حکومت مهدی علیه‌السلام باشد، پیش رفته و روز بیدادگر و دشمن دین تو را سیاه سازیم.

خداوندا! یأس و ناامیدی از رحمت تو در هیچ حال جایز نیست، و تو خود فرموده‌ای:

﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾؛

«اگر خدا را یاری کنید، او هم شما را یاری می‌نماید و

گام‌هایتان را استوار می‌دارد».

و

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛<sup>۱</sup>

«و آنان که در راه ما جهاد کنند؛ البته آنان را به راه‌هایمان هدایت می‌کنیم، و خداوند هر آینه با نیکوکاران است».

و با وعده‌های صریح تو هیچ‌کس را در ترک یاری حق و یاری دین تو عذری نیست و انتظاری که دستاویز تبلیغات دشمنان اسلام علیه مسلمین شده است، از اسلام نبوده؛ بلکه عین رضایت به وضع موجود و امضای نابسامانی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها، و مخالفت با تحول و تکامل انقلاب اسلام است، که این انتظار، آن انتظاری که در قرآن و احادیث و روایات دستور داده شده، نیست.

ما را از انتظار بی‌هدف و بی‌معنا دور ساز و به آن انتظار حقیقی که عامل جنبش و حرکت و مبارزه و مقاومت است، هدایت و آشنا کن.

بارها! ما را به مسئولیت‌های خطیری که در برابر تو، نسبت به دین تو و کتاب و احکام تو داریم، راهنمایی فرما؛ و به ما توفیق کامل عطا کن تا وظایف خود را در راه یاری هدف‌های عالی اسلام

---

۱. عنکبوت، ۶۹.

و اجرای احکام آن و امر به معروف و نهی از منکر، نصب العین و برنامه خود قرار دهیم.

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَدْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا  
عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾؛<sup>۱</sup>

«پروردگارا! بر ما صبر و پایداری ببخش،  
گام‌هایمان را استوار بدار، و ما را بر قوم کافران  
یاری عنایت فرما».



**به سوی هدف‌های اسلامی**





## به سوی هدف‌های اسلامی

﴿إِنَّهُوَ الْآذِكْرُ لِلْعَالَمِينَ\* وَتَعَلَّمْنَا بِنَبَاهِ بَعْدِ حِينٍ﴾؛<sup>۱</sup>

«قرآن، کتابی برای جهان و جهانیان است. برای

دانستن خبرها و اثرهای شگفت‌انگیزتر و بزرگ‌تر آن،

منتظر آینده باشید».

اسلام دینی است که چهارده قرن پیش به وسیله پیامبر بزرگ خدا، حضرت خاتم الانبیاء ﷺ، جهانیان به آن دعوت شدند، و شکوه‌مندترین و نجات‌بخش‌ترین نهضت‌های تاریخی و جنبش‌های مذهبی و انقلاب‌های حقیقی را به وجود آورد.

هدف اسلام، آزاد کردن انسان‌ها، خاتمه دادن به شرک و بت‌پرستی و فساد و گناه، برچیدن بساط ظلم و استثمار، آزاد نمودن و پاک‌سازی مغزها از خرافات و عقاید موهوم، برداشتن امتیازات پوچ و مادی، مبارزه با جهل و نادانی، تقسیم عدالت و امنیت، بهره‌برداری عموم از نعمت‌های الهی، برقراری احکام خدا، استقرار نظم، حفظ حقوق،

فراهم کردن امکانات ترقی، تکامل علمی، روحی، فکری، جسمی، مادی و اقتصادی برای همه، و خلاصه: دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه و عدل و رحمت و احسان و علم و ایمان و نور و روشنایی است.

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾؛<sup>۱</sup>

«کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها

به سوی نور خارج کنیم».

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾؛<sup>۲</sup>

«و نفرستادیم تو را مگر رحمتی برای جهانیان».

## پیروزی اسلام بر همه ادیان

خدا وعده داده است که اسلام را بر همه ادیان پیروز سازد و این وعده‌ای است که قوانین خلقت و سنن آفرینش با آن موافق است و وعده نصرت و غلبه همه‌جانبه‌ای است که به انبیا داده است، چنان‌که در آیات ۱۷۱ - ۱۷۳ سوره صافات، می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ \* وَإِنَّ جُنُدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾؛

«و به تحقیق سخن ما برای بندگان ما که پیامبرند

۱. ابراهیم، ۱.

۲. انبیاء، ۱۰۷.



پیشی گرفته که همانا ایشان یاری‌شدگاند و همانا

سپاه ما بر آنها (دشمن) پیروزند».

و در آیه ۵۱ سوره غافر، می‌فرماید:

﴿ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴾؛

«همانا ما یاری می‌دهیم پیامبرانمان و کسانی را که

ایمان آوردند، در زندگی دنیا و روزی که شاهدان

(معصومین علیهم‌السلام) به پا خیزند».

اسلام با چنین هدف‌ها و برنامه‌های سازنده‌ای که این هدف‌ها را تأمین کند، شروع به کار کرد و جلو آمد، و عالی‌ترین و پاک‌ترین روش رهبری را به مردم ارائه داد و هدف‌های خود را به عقاید، احکام، اخلاق، اقتصاد، اجتماع، دین و دنیا به مردم عرضه داشت. مردم شیفته و فریفته نهضت اسلام و برنامه‌ها و پیشنهادهای آن شدند، از آن استقبال کردند و آن را ملاک و معیار آزادی شناختند، و پس از آن همه ذلت‌هایی که در برابر حکام و سلاطین خودکامه داشتند، عزتی را که اسلام به آنها عطا کرد، آن را بزرگ‌ترین غنیمت شمردند.

فرزندان کارگران و دهقانان و چوپانان، که خود را با فرزندان پادشاهان و امیران برابر دیدند، لغو تقسیمات و درجه‌بندی‌های طبقاتی را که طبقه پایین‌تر و فرزندانشان را از ترقی و ورود در

حریم منطقه طبقه به اصطلاح بالاتر ممنوع می‌کرد، از جان و دل پذیرفتند و جنگ با اسلام و سپاه مسلمان را جنگ با سعادت و آزادی خود دانستند.

اسلام به‌زودی جای خود را در دل‌ها باز کرد و دعوتش در عمق وجدان و شعور همه با شور و شغف بسیار استقبال شد.

هیچ کشوری را مسلمانان فتح نمی‌کردند مگر بعد از آنکه بانگ جان‌بخش توحید و آزادی و برابری اسلام، قلوب مردم آن را فتح کرده بود.

این نهضت مقدّس با این برنامه‌های عالی و مایه‌های پُراج انسانی، باید جهان را فتح کرده و به همه اهدافش رسیده باشد.

چرا چنین نشد؟ و چرا اسلام در نیمه راه ماند و متوقف گشت؟ و دستگاه رهبری آن، به‌زودی به دست افرادی جاهل و استثمارگر و عیاش و هرزه افتاد که مسیر واقعی اسلام و جهان اسلام را تغییر دادند و همان مظاهر و اوضاع و رژیم‌هایی را که اسلام با آن مبارزه کرده بود، به اسم اسلام، به اسم خلافت اسلام، به اسم جهاد اسلام، به اسم عدالت اسلام، به اسم قانون اسلام و به اسم اتّحاد اسلام، دوباره زنده کردند.

اسلام آمد تا بشریت را از بشرپرستی نجات دهد، تا کاخ‌هایی را که اکاسره و قیاصره (کسری و قیصرها) از غصب حقوق و اموال و ظلم

بر زیردستان بنا نهاده بودند، ویران سازد؛ و فاصله‌ای را که میان زمامداران و افراد عادی بود، از میان بردارد و انسان‌های ناآگاه خفته و ناآشنا به حقوق خود را بیدار و آگاه نماید و از مدائن و رُم و پایتخت‌های ستمگران زمان، مدینه بی‌تجمل و بی‌دستگاه، بی‌کاخ و قصر، و نزدیک به همه و با همه بسازد.

اسلام بود که رهبر دوّمش امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌فرمود:

«أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَمِنْ  
طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ»<sup>۱</sup>

«هان! که امام شما از دنیایش به دو کهنه جامه، و از خوراکش به دو قرص نان اکتفا نموده است».

و هم او می‌فرمود:

«وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ  
أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبُهَا  
جُلْبَ شَعِيرَةٍ، مَا فَعَلْتُهُ»<sup>۲</sup>

«به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با هرچه در زیر آسمان‌های آنهاست، به من دهند که خدا را نافرمانی

---

۱. نهج‌البلاغه، نامه ۴۵ (ج ۳، ص ۷۰): مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۴۷۴؛ قندوزی، ینابیع‌الموده، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴ (ج ۲، ص ۲۱۸).

کنم، در گرفتن پوست جوی از مورچه‌ای، چنین نخواهم کرد».

و هم از او روایت است که: هرکس بخواهد نظر کند به شخصی از اهل جهنم، نظر کند به شخصی که نشسته است و در اطراف او دیگران به عنوان احترام ایستاده‌اند.<sup>۱</sup>

ولی غاصبان مقام رهبری اسلام به جاهلیت پیشین گراییده و همان اساس گذشته را که اسلام با آن مبارزه دارد، داغ‌تر و ظالمانه‌تر تجدید کرده، همان عیاشی‌ها، همان هرزگی‌ها، و همان کاخ‌ها و قصور را از نو بنیاد کردند. مدینه پیغمبر و کوفه علی را کنار گذاردند و بغداد، دمشق، غرناطه، قرطبه، اسلامبول، قاهره، آکره و نقاط دیگر را که در استعباد بشر و صرف میلیون‌ها دسترنج مردمان ضعیف و عقب‌مانده، کمتر از مدائن و رُم نبود، به دنیا نشان دادند و در واقع، روش و رژیم ضعیف ضداسلامی آنها، که به اسم اسلام روی کار می‌آمدند، اسلام را از فتح قلوب و از رسیدن به هدف‌هایش مانع شد.

هرکس تاریخ و سرگذشت دستگاه‌های جبّار بنی‌امیه، بنی‌عباس، امویان اندلس، سلاطین عثمانی و دیگر کسانی را که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام و حاکم مسلمان، در هند، ماوراءالنهر و ایران، مصر، شام

۱. غزالی، احیاء علوم‌الدین، ج ۱۱، ص ۳۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۶؛ نراقی، جامع‌السعادت، ج ۱، ص ۳۱۰.

به سوی هدف‌های اسلامی / ۴۵

و نقاط دیگر آسیا و آفریقا و اروپا مسلط شدند، بخواند، می‌فهمد چه وضع بسیار ناامیدکننده‌ای جلو آمد که هدف‌های واقعی و اصولی اسلام بیشتر از رسمیت افتاد و اصلاً مطرح نبود.



---

**انتظار، عامل پایداری** 

**در برابر رهبری‌های فاسد**

---





## انتظار، عامل پایداری

### در برابر رهبری‌های فاسد

یگانه یا مهم‌ترین چیزی که مسلمانان را در برابر این وضع نگاه داشت و آنها را در حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه‌های اسلامی شجاع و دلیر می‌کرد، وعده‌های قرآن و پیغمبر ﷺ بود که: این دین از بین نمی‌رود و آینده برای اسلام است، اسلام عالم‌گیر و پرچم حکومت توحید و حق و عدل در سراسر جهان به اهتزاز در خواهد آمد.

این وعده‌ها بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مثل تسلط بنی‌امیه، جنگ‌های صلیبی، هجوم چنگیز و بالاخره استعمار قرن اخیر، پایدار و شکیبانگه داشت و سرانجام مسلمانان را علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت.

این وعده‌ها که واقعیت آن را حقایق مسلم دینی و تاریخی صددرصد ثابت کرده است و دلایل قطعی آن را در کتاب *نوید امن و امان* نگاشته‌ایم، همواره به مسلمانان نوید می‌داد که دور اسلام

و روزگار آن به پایان نمی‌رسد و حکومت‌هایی مانند بنی‌امیه و بنی‌عباس، مظهر کمال و پیشرفت و نمایش رژیم سیاسی و روش رهبری حقّ و عدالت اسلام نیستند و باید در انتظار آینده بود و عقب‌نشینی نکرد، از مرزها و سنگرها حمایت و حفاظت کرد، تا آن عصر طلایی و دوران حکومت مطلقه حقّ و عدالت فرا رسد، و موعود آخرالزمان که از دودمان پیغمبر اسلام و فرزندان علی و فاطمه علیهم‌السلام و نهمین فرزند سیدالشهدا حسین علیه‌السلام و یگانه فرزند بی‌مانند حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام است، ظاهر شود و تمام برنامه‌های اسلام اجرا گردد. دنیا از این‌همه اضطرابات روزافزون، ناامنی‌ها، افکار متضاد و رژیم‌های رنگارنگ ظالمانه نجات یافته و در مهد امن و امان و اطمینان و اعتماد و اتحاد قرار بگیرد.

مسلمان همیشه به‌سوی آینده می‌نگرد و هر وضعی که موجود باشد، اگرچه نسبتاً خوب و عادلانه باشد، او را قانع نمی‌کند، آن را نهایت کار و پایان راه نمی‌شمارد، و اگر هم ظالمانه و غیراسلامی باشد، در هر صورت و شرایطی، مسلمان ناامید نمی‌شود و وظیفه دارد که ظلم و فساد و تجاوز و جهل و خودکامگی و استضعاف را محکوم سازد و برای حصول هدف‌های اسلام، کوشش و تلاش بیشتر نماید تا به سهم خود به اسلام عزیز و به نوع بشر و جوامع متحیر و سرگردان و مضطرب خدمتی انجام دهد و نشستن و تسلیم‌بودن و کناره‌گیری

انتظار، عامل پایداری در برابر رهبری‌های فاسد / ۵۱

کردن و تماشاگر صحنه‌های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن، هرگز در اسلام جایز نیست، و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی‌باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر<sup>ع</sup> و فلسفه انتظار موافقت ندارد.

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَاَسْبِرَیْ اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُوْلُهُ  
وَالْمُؤْمِنُوْنَ﴾؛

«و بگو عمل کنید، پس به‌زودی خدا و پیامبرش و  
مؤمنان، عمل شما را خواهند دید».





**انتظار و وعده الهی**



## انتظار و وعده الهی

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۱</sup>؛

«موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی کنید، به تحقیق که زمین از آن خداست، به هر کس از بندگانش بخواهد منتقل می‌فرماید و حسن عاقبت از برای پرهیزکاران است.»

﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَادَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾<sup>۲</sup>؛

«و میراث دادیم به قومی که ضعیف شمرده شده

۱. اعراف، ۱۲۸.

۲. اعراف، ۱۳۷.

بودند، خاورهای زمین و باخترهای آن را که  
 مبارک گردانیده بودیم. و تمام گردید کلمه (و  
 وعده) نیکوی پروردگار تو بر بنی اسرائیل  
 به سبب آنکه صبر کردند؛ و ویران ساختیم آنچه  
 را فرعون و قومش می ساختند و آنچه را که  
 افرشته بودند».

مسئله‌ای که همواره مایه امید مسلمانان منتظر و هسته مرکزی  
 انقلاب‌های علیه نظام‌های استثمارگر و اوضاع ظالمانه بوده و وعده الهی  
 به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است.

باینکه می‌بینیم زورمندان و استضعاف‌گران، مخالفان رژیم خود را  
 می‌کوبند، دربند می‌کنند، به زندان می‌اندازند، در خاک و خون  
 می‌کشند؛ باز هم استضعاف‌شدگان به پا می‌خیزند و مسیر تاریخ را  
 عوض می‌کنند، باز هم سیاه‌پوست آمریکایی و آفریقایی قیام می‌کنند  
 و حقوق خود را می‌طلبند، باز هم اندونزی و الجزایر استعمار را طرد  
 می‌کنند و آن را بیرون می‌رانند و به حیاتش خاتمه می‌دهند.

فلسطینی‌های آواره و از خانه و وطن رانده شده می‌کوشند تا روزگار  
 اسرائیل و رژیم فاسد نژادپرست صهیونیسم را - باینکه قدرت‌های  
 بزرگ دنیا پشت‌سرش و بلکه در کنار و پیش رویش ایستاده‌اند و از او  
 دفاع می‌کنند - سیاه نمایند، و او را از اراضی مقدّسه و سرزمین‌هایی  
 که غصب کرده، بیرون برانند.



مسلمانان و به‌ویژه شیعیان در طول تاریخ، علی‌رغم همه مشکلات و مصائب و فشارها، به دلیل همین امید و همین اعتقاد، سنگر مبارزه را رها نکرده و مستمراً به تلاش خود ادامه داده‌اند.

مسئله این است که اگرچه ما جهان و وضع جهان را در مسیر هواوهوس و آرزوهای زورمندان و اقویا و طبقه حاکمه علیه ضعیفان و زبردستان و طبقه محکوم و محروم و مظلوم ببینیم؛ اگرچه جریان دنیا را به کام طبقه‌ای که در عیاشی، هرزگی، هوس‌رانی، شهوات و تجملات غرق شده و لوکس‌ترین زندگی‌ها را دارند، مشاهده نماییم، و اگرچه بسیاری از مردم جهان در نهایت فقر و پریشانی، گرفتار بیماری‌های گوناگون و محروم از حداقل زندگی یک انسان - بلکه یک حیوان که صاحب بانصاف داشته باشد - باشند و وحشیانه‌ترین قدرت‌ها، ملت‌ها و جامعه‌ها را در زیر ضربه‌های ظلم و تجاوز پامال کنند.

با این حال، تاریخ بر مبنای سنت‌های الهی و وعده خدایی، سرانجام به نقطه‌ای می‌رود که به نفع طبقه محروم و زیان طبقه غاصب و حاکم است؛ به سویی می‌رود که در آنجا همه نسبت به حقوق متساوی حق، برابر و مساوی و یک‌شکل و یک‌رنگ گردند و تمام رنگ‌ها و امتیازات پوچ شسته شود و از بین برود و برتری انسان‌ها فقط بر اساس تقوا باشد.

ستمگران و تجاوزکاران در برابر این وعده، مانند کسی هستند که بخواهد در جهت مخالف سیلی عظیم شنا کند، که هرچه قوی و شناگر باشد، سرانجام شکست می‌خورد و سیل او را به پیش رانده، و خواه‌وناخواه در مسیر واقعی و جهت موافق سیل قرار می‌گیرد، یا نابود و معدوم می‌شود.

کسانی که علیه متجاوزان و استثمارگران انقلاب می‌کنند، اگر فاقد تمام وسایل هم باشند، بهترین و نیرومندترین وسیله و اسلحه پیروزی آنان، این امید است که در جهت خواست و رضایت و وعده الهی قرار دارند و قطعاً در مبارزه نهایی، پیروزی با آنهاست.

## آینده جهان در کلام الهی

این‌گونه اعتقاد به سنت الهی - اگرچه از آن، گاهی به‌طور صحیح بهره‌برداری نمی‌شود و انقلابی‌نماها هم آن را وسیله قرار می‌دهند - اصل است و حقیقت؛ و در زبان قرآن کریم و احادیث شریفه به تعبیرات وافیه و صحیح‌تر و الفاظ کافی‌تر شرح و بیان شده است؛ که از جمله این آیات، واقعی‌ترین تعبیرات و شرح و تفسیر این مسئله است:

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ...﴾<sup>۱</sup>

«موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید...».

﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ  
مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا  
فِيهَا...﴾<sup>۱</sup>؛

«و ما قومی را که به استضعاف کشیده شده بودند،

وارثان (مشرق و مغرب زمین) گردانیدیم».

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا  
هُوَ زَاهِقٌ﴾<sup>۲</sup>؛

«بلکه حق را با شدت بر باطل افکنیم؛ پس حق، باطل

را درهم می‌شکند، آن گاه از میان می‌رود».

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ  
نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۳</sup>؛

«می‌خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش سازند و

خدا تمام کننده نور خویش است، هرچند کافران را

خوش نیاید».

موضوع انتظار حضرت صاحب الامر علیه السلام و ایمان به ظهور مهدی موعود، مبنای این وعده الهی است و با سنت الهی و آنچه در کتب آسمانی ثبت شده، کاملاً مطابق است.

۱. اعراف، ۱۳۷.

۲. انبیاء، ۱۸.

۳. صف، ۸.

در قرآن مجید می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ  
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

«و همانا در زبور، پس از ذکر (تورات) نگاشتیم که

زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند».

شیعه و تمام مسلمانان بر اساس این عقیده سازنده و تحول‌آور، ایمان دارند که تاریخ در مسیر عدالت و به سوی عدالت جلو می‌رود و توقف نمی‌کند و زمین را بندگان صالح و شایسته خدا به ارث می‌برند. و سرانجام حق در همه جا حاکم و پیروز می‌شود، و این سنت و قانون خدا و خواست اوست که می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا  
فِي الْأَرْضِ...﴾<sup>۲</sup>

«ما خواسته‌ایم که منت گذاریم بر آنان که در زمین

استضعاف شده‌اند ...».

خدا چنین اراده کرده است که قدرت خود را به دست طبقه ضعیف آشکار سازد و طبقه استثمارگر قوی و غالب و ظالم را به دست آنان که استضعاف شده‌اند، بکوبد و مغلوب نماید.

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. قصص، ۵.

این ایمان، جزء عقاید شیعه و بلکه هر مسلمان است که به هر نحو و هرطور که اوضاع به نفع ستمگران و فرعونیان استعبادپیشه قرار بگیرد، عاقبت با انقلاب مستضعفان شایسته و پرهیزکاران مجاهد، نظام و عدالت، حاکم و برقرار می شود.

این عقیده از نظر اجتماعی، بسیار مهم و انقلابی و مترقی است و مردم را به کار و تلاش و نهضت و قیام و فعالیت تشویق می کند و از سستی و ترک وظایف و تسلیم زبونی و ذلیل شدن باز می دارد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ

الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا. وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ

وَنَجْمَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْمَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۱</sup>؛<sup>۲</sup>

مضمون این سخنان امیدبخش و مژده دهنده این است:

«دنیایی از سرکشی به ما روی می کند همانند مهربانی

شتر بدخو که به بچه خود مهربان می شود، و حزب

خدا و اهل بیت و خاندان رسالت و شیعیانشان را در

فشار ظلم و استبداد غاصبان و مرتجعان گذارده،

۱. قصص، ۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹ (ج ۴، ص ۴۷)؛ سیدرضی، خصائص الائمه، ص ۷۰؛ طبرسی، مجمع البیان،

ج ۷، ص ۴۱۴.

و آنان را از حقوقشان محروم، و گرفتار شکنجه و زندان، و قطع دست و پا و گوش و بینی، و کشته‌شدن ساخته است، بعد از این‌همه ناسازگاری‌ها و ظلم و جور و غصب حقوق، البته و حتماً - مانند شتر بدخو و گزنده‌ای که به بچه‌اش مهربان و مایل می‌شود - به ما مایل گردیده و رام اهل حقّ و شایستگان و مستضعفان خواهد شد؛ چون خدا در قرآن خبر داده است: خواستش این است که بر آن کسان که در زمین مورد استضعاف قرار گرفته‌اند منتّ گذارد، و آنان را امامان و پیشوایان و وارثان زمین فرماید.»

معلوم است در هنگامی که ابرهای مایوس‌کننده فتنه‌های بزرگ، و تسلط غاصبان زمامداری و مقام رهبری جامعه اسلامی بر سر مردم و اهل حقّ، باران بلا و ناامیدی می‌باریده است، علی‌علیه با این کلمات امیدوارکننده و انتظاربخش، دل‌های مردم را محکم کرده و به این حقیقت بزرگ و وعده تخلف‌ناپذیر الهی مژده داده و آنان را به فتح و ظفری که حزب خدا و حامیان حقّ در پیش دارند، نوید داده و به استقامت و پایداری تشویق فرموده است.

این کلام درعین حال که خبری از آینده و غیب و پیش‌گویی قاطع

است، همین مسئله سنّت خدا (یا به زبان دیگر، وعده الهی) را که علی علیه السلام از آن آگاهی کامل داشته است، اعلام می‌کند.

آری، ولیّ خدا و کسی که مصداق ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾<sup>۱</sup> است، به سنن الهی عالم و واقف است و از خواست خدا و نظامات و قواعدی که در جهان ماده و مجردات قرار داده، به اذن خدا و به تعلیم او بااطلاع است.

علاوه‌براین آیه کریمه، در سوره قصص در ضمن داستان استعلا و گردنکشی فرعون، این خواست و سنّت خدا را صریحاً بیان فرموده است؛<sup>۲</sup> چون معلوم است که این سنّت الهی فقط در مورد موسی و فرعون نیست؛ بلکه سنّت عام الهی است و در مورد هر گروه مستضعف و مؤمن و شخص یا دسته استضعاف‌گر در هر عصر و زمانی صادق است؛ اگرچه مصادیق آن، همه در یک ردیف نباشند و صدق این آیه و تطبیق آن و ظهور این سنّت و قاعده، بر موردی ظاهرتر و آشکارتر از موارد دیگر می‌باشد.

لذا علی علیه السلام بعد از اینکه خبر از یک تحوّل بزرگ و انقلاب جهانی به نفع حزب حقّ و پیروان مکتب ولایت می‌دهد، این آیه را نیز تلاوت می‌فرماید؛ چون چنان‌که گفته شد، مفهوم آیه، اختصاص به

۱. رعد، ۴۳. «و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست».

۲. قصص، ۶-۴.

## عصر موسی و فرعون ندارد، و عام و کلی است<sup>۱</sup> و ظاهرترین مصداق

۱. از عالی‌ترین بیانات راجع به این سنت و وعده الهی و فلسفه تاریخ، بیانات حضرت زینب علیها السلام است که در خطبه تاریخی و بی‌نظیر، در مجلس یزید انشا فرمود.

در این مجلس که با برنامه و تشریفات بسیار جبارانه و مستکبرانه ترتیب یافته و وحشت و رعب آن، دل افراد عادی را می‌لرزاند و توانایی سخن گفتن را از آنها می‌گرفت، ابراز مخالفت و توبیخ و سرزنش و تحقیر یزید و اعلان رسمی محکومیت و انقراض حکومت او که خطر اعدام فوری داشت، از جانب یک بانوی اسیر و داغ‌دیده و مصیبت‌دیده، از معجزات بود.

چنان‌که آن بلاغت و از قرآن مجید الهام‌گرفتن، سنجیده و به سامان گفتن، یزید و چاپلوسان درباری و مزدوران خودفروخته دستگاه را تحت‌تأثیر قراردادن، کرامت و حقانیت اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام را اثبات‌نمودن، ستمگران و مستبدان را حقیر و پست‌شمردن، آن پیشگویی‌ها و خبر از آینده دادن و متلاشی‌شدن نظام یزیدی گفتن که هر جامعه‌شناس و روان‌شناس را مات و متحیر می‌سازد، از معجزات است.

اگر کسی در این اعجاز تردید دارد، به او پیشنهاد می‌کنیم و از تمام بلغا و سخنوران ماهر می‌خواهیم که از این خطبه تاریخی و سخنان عقیده‌قربش، خطبه‌ای کوبنده‌تر، قاطع‌تر، محکوم‌کننده‌تر و مناسب‌تر با آن مجلس و موقف انشا نمایند.

الحق این خطبه از نشانه‌های درخشان جلال، حقیقت، فضیلت و عظمت اهل‌بیت رسالت است، و از خدا می‌خواهم که شرحی بر این خطبه بنگارم و به افتخار خدمتی به آن حضرت سرافراز گردم. در این خطبه، زینب علیها السلام قانون و سنت و وعده تخلف‌ناپذیر الهی (و به اصطلاح بعضی، فلسفه تاریخ) را مطرح ساخته و هنگامی که به‌حسب ظاهر همه‌چیز تمام شده و بسیاری مایوس و ناامید و تسلیم وضع حاکم می‌شوند و یزید بر اوضاع مسلط گردیده و در نهایت استبداد و استعباد سلطنت می‌نماید، او طرف‌داران حق و حزب حق و شیعیان اهل‌بیت را از یأس و ناامیدی نجات می‌دهد و اهل‌بیت و هدف‌ها و مقاصدشان را فاتح و پیروز، و بنی‌امیه و حزب استعبادگر را مغلوب و شکست‌خورده معرفی می‌فرماید و چنین اعلام می‌کند که: از کرامت اهل حق چیزی کم نشد و بر اهل باطل چیزی افزوده نگشت و هرچه یزید کوشش و تلاش کند و اهل حق را بکشد و از میان بردارد و بر کید و کینه و ستمگری انقلاب اسلام جلوگیری نماید و نور خدا را خاموش سازد، هیچ ثمره‌ای ندارد.

آری، زینب علیها السلام به آینده درخشان اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام و آثار نجات‌بخش انقلاب برادرش حسین علیه‌السلام صددرصد اطمینان داشت و می‌دانست راهی را که برادرش رفته است، راه خدا، راه حق و راه تاریخ است.

در کربلا روز یازدهم محرم، در آن هنگامی که او را به اسارت عازم کوفه کرده بودند و بدن‌های پاک شهدای راه حق روی زمین افتاده بود، همین خبر را می‌داد و آینده را می‌دید.



این آیه در تاریخ همان انقلابی است که به رهبری حضرت مهدی، قائم آل محمد<sup>علیه السلام</sup> برپا می شود. انقلابی که حتماً واقع خواهد شد و خواست خدا و سنت الهی است.

﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾؛

«و هرگز در سنت خدا تبدیل و تغییری نخواهی یافت».

بنابر آنچه بیان شد، معلوم می شود که انتظار و عقیده به ظهور مهدی<sup>علیه السلام</sup> چگونه فکر و اندیشه را آینده‌گرا می‌سازد و مسلمان را برای مقاومت، استقامت، پایداری، مبارزه با باطل و جهل و فساد، آماده و مصمم می‌کند و او را با این فلسفه مهم تاریخ، درضمن اصطلاحات دینی و قرآنی که کامل‌تر و صحیح‌تر از هر منطق دیگر بازگو کرده است، آشنا می‌نماید.

---

در مجلس یزید نیز با همین منطق محکم، مجلس را قبضه کرد و یزید را چنان کوبید و در آن دادگاه تاریخ، چنان محکوم کرد که یزید نتوانست یک کلمه از خود دفاع نماید، یا آنکه غیظ و خشم خود را با تصمیم جنایت دیگر فرو بنشاند.

اینک قسمتی از خطبه را که خطاب به یزید است بخوانید و در معنای انتظار تأمل فرمایید:

«ثُمَّ كَذَّبْتَنَا وَاجْهَدَ جَهْدَكَ! قَوْلَ اللَّهِ الَّذِي شَرَفْنَا بِالْوَحْيِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبُوءَةِ وَالْإِتِّخَابِ، لَا تَذْرُكُ أَمَدَنَا وَلَا تَبْلُغُ غَايَتَنَا وَلَا تَمْخُوْ دِكْرَنَا وَلَا يَرْحُصُ عَنَّا عَارِنَا»؛ پس تمام مکر و حیل‌ها را به کار گیر و تمام کوششت را انجام ده! قسم به خدای که ما را به وحی و کتاب و نبوت و انتخاب مشرف نمود، هرگز نمی‌توانی عمق و نهایت ما را درک کنی و ذکر و یاد ما را محو نمایی، و آن عاری که بر ما وارد نمودی، از تو زوده نخواهد شد». طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۰؛ بحرانی اصفهانی، عوالم‌العلوم، ص ۴۰۵ - ۴۰۶.

و شخص امام<sup>علیه السلام</sup> نیز درضمن جریان نهضت کربلا به این قاعده الهی و قانون تاریخ، مکرر تصریح فرمود که شرح و تفصیل آن از حدود این مقاله مختصر خارج است.





---

**انتظار، عامل مبارزه  
با فساد و انحراف**

---



## انتظار، عامل مبارزه با فساد و انحراف

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا  
يُرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴾<sup>۱</sup>  
اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿۱﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کفار فرمان ببرید، شما را به عقب (کفر و جاهلیت) برمی‌گردانند، پس شما زیان‌کار می‌گردید؛ بلکه خداوند مولا و صاحب‌اختیار شماست و او بهترین یاری‌کنندگان است.»

﴿ إِنَّ الَّذِينَ أَرْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ  
الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ﴾<sup>۲</sup>

«به‌درستی آنان که به عقب برگشتند (مرتجع شدند) بعد از آنکه هدایت بر ایشان آشکار گشت، شیطان این کار (ارتجاع) را بر ایشان بیاراست و خدا آنها را (برای امتحان و اتمام حجت) مهلت داد.»

۱. آل عمران، ۱۴۹ - ۱۵۰.

۲. محمد، ۲۵.

پیامبر اعظم ﷺ فرمود:

«الْأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ؛ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ  
الْحُسَيْنِ، وَالتَّاسِعُ مَهْدِيُّهُمْ»؛<sup>۱</sup>

«امامان بعد از من دوازده نفرند؛ نه نفر از فرزندان  
حسین ﷺ می‌باشند و نهمین آنها مهدی ﷺ است».

رسول خدا ﷺ فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا  
مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْراً»؛<sup>۲</sup>

«اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، البته خدا  
برمی‌انگیزد مردی از اهل بیت مرا که زمین را از عدل  
پر کند، همچنان که از ستم پر شده باشد».

## انتظار، عامل مبارزه با فساد و انحراف

مسلمانان عموماً و شیعه اثنی عشری خصوصاً، انتظار ظهور شخصیتی  
را می‌کشند که انقلاب اسلام را جهان‌گیر، حق و عدالت را پیروز، بشر  
را از تضادهای گوناگون، استثمار، استعباد و استعمار و از وقوف

---

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۵۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۲؛ صافی  
گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲. اربلی، کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۳۴؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۳۶، ص ۳۶۸؛ صافی گلپایگانی،  
منتخب الاثر، ج ۲، ص ۳۰.

و توقف نجات دهد و به‌سوی جلو پیش براند و اصول توحید، مساوات، آزادی و برادری اسلامی را رایج نماید.

این شخص موعود، امام دوازدهم از دوازده نفر پیشوایان و رهبرانی است که پیغمبر عالی مقام اسلام ﷺ در صدها حدیث آنها را معرفی کرده و فرزند عزیز رهبر یازدهم، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. اصل انتظار به صورت‌های گوناگون در بین ملل مختلف، همواره محفوظ بوده و آینده‌نگری همیشه بشر را به خود مشغول داشته، برگشتن به عقب و بلکه وقوف و ایستادن در یک مرحله به هر حال محکوم بوده و خلاف سنن عالم خلقت است.

### حرمت بازگشت به فرهنگ جاهلی

قرآن مجید با بیانی محکم در آیات متعدد، برگشتن به عقب را محکوم فرموده است.

در غزوه تاریخی احد که مسلمانان آزمایش شدند، امیرالمؤمنین علی علیه السلام فداکاری‌ها کرد و پرچم‌داران و دلیران نامی مشرکان را کشت، و جبرئیل مواسات بی نظیرش را با پیغمبر صلی الله علیه و آله ستود و به پیغمبر گفت: «هَذِهِ الْمُوَاسَاةُ». پیغمبر در جواب فرمود: «إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ؛ او از من است و من از اویم». جبرئیل گفت: «وَأَنَا مِنْكُمْ؛ من نیز از شما هستم». و ندا در داد: «لَا سَيْفٌ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فِتْيٌ إِلَّا عَلِيٌّ»<sup>۱</sup>.

۱. صدوق، الخصال، ص ۵۵۶ - ۵۵۷؛ رک: طبری، بشارة المصطفی، ص ۲۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۴۴.

در این غزوه، وقتی پاسداران دره‌ای که کمین‌گاه بود و پیغمبر ﷺ آنان را به پاسداری آنجا مأمور فرموده بود، هزیمت و شکست کفار را در اثر مجاهدات علی رضی الله عنه دیدند، سنگر خویش را رها کردند و خالد بن ولید با گروهش که در آنجا کمین کرده بود، از همان‌جا به مسلمانان حمله‌ور شدند و تنی چند از پاسداران و فرماندهشان عبدالله بن جبیر را به شهادت رساندند. چهره جنگ به نفع مشرکان تغییر کرده و گروهی از مسلمانان کشته شدند و دیگران فرار کردند؛ غیر از علی بن ابی‌طالب رضی الله عنه و دو نفر دیگر هم - برحسب بعضی از نقل‌ها که در نام آنها اختلاف است - کسی با پیغمبر ثابت نماند و راه فرار پیش گرفتند؛ و بعضی که شنیدند پیغمبر کشته شده است، در مقام ارتجاع و ارتداد و امان‌گرفتن از کفار برآمدند.

از جمله فراریان، ابوبکر و عمر و عثمان بودند، و عثمان در فرار و پشت‌کردن به جهاد و دفاع از اسلام و پیغمبر ﷺ، به‌قدری از میدان جنگ دور شده بود که سه روز بعد برگشت.<sup>۱</sup> نظر به این سستی‌ها و تصمیم بعضی دیگر بر بازگشت به عصر جاهلیت و ارتداد، آیات متعددی در نکوهش و سرزنش آنان و حرمت ارتجاع و وجوب ثبات قدم و استقامت نازل شد که از جمله این آیه بود:

۱. طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۲۰۳؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۷۴؛ ابن کثیر، السیرة النبویه، ج ۳، ص ۵۵.



﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ  
أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ  
يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ  
الشَّاكِرِينَ﴾<sup>۱</sup>؛

«و نیست محمد مگر رسولی که قبل از او هم پیامبران بسیاری بوده‌اند؛ آیا پس اگر (او) مُرد یا کشته شد، به عقب برمی‌گردید؟ و هر کس به عقب برگردد، هرگز به خدا زبانی نمی‌رساند و خدا به زودی شاکران را پاداش می‌دهد».

این آیه با کمال صراحت دستور می‌دهد که حتی با رحلت یا کشته شدن پیغمبر - که بزرگ‌ترین ضربت بر روح طرفداران انقلاب اسلامی و الهی اسلام است - انقلاب اسلام نباید متوقف شود و باید در مسیر خود پیشرفت نماید و باید مسلمانان دنبال این انقلاب را بگیرند و به عقب برنگردند.

وقتی رحلت رسول خدا ﷺ نباید این عکس‌العمل را داشته باشد که کسی به فکر ارتداد و بازگشت به عقب و رژیم‌های دوره‌های جاهلیت و پذیرش برنامه‌های غیراسلامی بیفتد، پس معلوم است که مسلمان از هیچ حادثه و فاجعه دیگر، هرچه سخت و جانکاه باشد و هرچه زیان

مالی و مادی و جانی داشته باشد، به ارتداد و عقب‌گرد، و قبول برنامه‌ها و نظام‌های کافر مایل نمی‌شود و از کوشش برای پیش‌رفتن، ترقی و جهانی شدن انقلاب اسلام چشم برنمی‌دارد.

انتظار مصلح آخرالزمان و مهدی موعود، علاوه بر ریشه‌های استوار مذهبی و اسلامی، دارای عالی‌ترین فلسفه اجتماعی است.

مسلمانان عقیده دارند که انقلاب اسلام، جهان‌گیر و پیروز می‌شود و عالم از این نابسامانی‌های مدنیت منهای شرف و انسانیت نجات پیدا می‌کند و بازگشت به عقب و ارتداد و عقب‌گرد، خلاف اصل و خلاف نهضت انبیا و تعالیم اسلام است.

اگرچه دنیای مادی امروز به ظاهر رو به جاهلیت گذارده و اهداف عالی انسانی و حقیقت و فضیلت و مابه‌الامتیاز بشر از حیوان، در بسیاری از جوامع فراموش شده، و طغیان و ظلم و بیدادگری و تجاوز و زور و استبداد و قلدری و استثمار و شهوت‌رانی و نابکاری و خیانت و ناامنی به صورت‌ها و جلوه‌های نو در جهان رایج شده و روزبه‌روز رایج‌تر می‌شود؛ و اگرچه الفاظ و کلمات صلح، عدالت، آزادی، مساوات، برادری، همکاری، تعاون و بشردوستی را در معانی دیگر یا برای مقاصد دیگر به کار می‌برند؛ و اگرچه فاصله بین زورمندان و فرماندهان و زیردستان و فرمان‌بران هر روز زیادت‌تر و رابطه آنها با یکدیگر به رابطه دو انسان برابر هیچ

شبهات ندارد؛ ولی این توحش تا هرکجا برود (تا دو هزار و پانصد سال، تا سه هزار سال، و پنج هزار سال بیشتر هم به عقب برگردد)؛ چون خلاف خواست‌های واقعی بشر و سیر کمالی او و خلاف عقیده و آرمان او است، پیروز نمی‌شود و سرانجام به شدیدترین وضعی سرکوب و ریشه‌کن خواهد شد.

این جاهلی مسلکی هرچه نیرو بگیرد و از هر حلقومی برایش تبلیغ شود، و هرچند که آموزش و فرهنگ را با زور قوای انتظامی با آن همگام و همراه سازند، عاقبت در برابر منطق آسمانی قرآن، که می‌فرماید:

﴿تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ  
إِلَّا اللَّهَ وَلَا نَشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا  
أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾؛<sup>۱</sup>

«بیاید به سوی کلمه و عقیده یکسان و مشترکی  
بین ما و شما، که نپرستیم مگر خدا را و به او  
شرک نیاوریم و هیچ کدام از همدیگر را غیر از خدا  
ربّ خود نگیریم».

و در برابر آیه:

﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ

شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ  
عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ<sup>۱</sup>؛

«ما شما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شما را در قبایل  
و ملت‌های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ البته  
گرامی‌ترین شما نزد خدا، متقی‌ترین شماست».

و در مقابل منطق وحی:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ  
وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾<sup>۲</sup>؛

«و ما در هر امتی، رسولی فرستادیم که خدا را بپرستید  
و از طاغوت دوری کنید».

و آیات بسیار دیگر شکست می‌خورد، و زبان و بلندگوهایش  
خاموش و قلم نویسندگان‌ش می‌شکند.

فساد، فحشا، نابکاری جوانان و بانوان، وضع بسیار ننگین و پر از  
آلودگی‌های زن در شرق و غرب جهان امروز و خیانت و جنایت،  
هرچه جلو برود، و هرچه نیروهای مادی، این فسادها را تهییج کند  
و آن را برای منافع پلید استثماری یا استعماری گسترش دهد، جنبش

---

۱. حجرات، ۱۳.

۲. نحل، ۳۶.

و انقلاب را علیه این مفاسد، کوبنده‌تر و ضربت آن را بر کاخ‌های فساد و طغیان، کاری‌تر می‌سازد.

### مقاومت، در برابر بازگشت به جاهلیت

مسلمانی که با چنین فکر و عقیده آینده‌گرا زندگی می‌کند، هرگز با گروه‌های فاسد و مشرک و خدانشناس همراه نمی‌شود و تا می‌تواند تقدّم و نوگرایی و آینده‌بینی خود را حفظ کرده و ثابت و استوار به سوی هدف پیش می‌رود.

او اطمینان دارد و به یقین می‌داند که بساط ظلم و فساد برچیده شدنی است؛ چون بر جامعه و بر فطرت بشر تحمیل است و آینده برای پرهیزکاران و زمین از آن شایستگان است:

﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ  
وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛

«همانا زمین از آن خداست و به هر کس از بندگانش که

بخواهد، به ارث می‌دهد و عاقبت از آن متقین است».

بنابراین مسلمان تسلیم ظلم و فساد نمی‌شود و با ستمگران و مفسدان همکار و همراه و هم‌صدا نخواهد شد.

این اصل انتظار مانند یک قوه مبقیه و عامل بقا و پایداری،

طرفداران حقّ و عدالت و اسلام‌خواهان حقیقی را در برابر تمام دستگاه‌های فشار، استعباد، جهل و شرک، بشرپرستی و فسادانگیزی پایدار نگه می‌دارد و همواره بر روشنی چراغ امیدواری منتظران و ثبات قدم و مقاومت آنها می‌افزاید و آنان را در انجام وظایف، شور و شوق و نشاط می‌دهد.

این اصل انتظار است که در مبارزه حقّ و باطل، صفوف طرفداران حقّ را فشرده‌تر و مقاوم‌تر می‌کند و آنها را به نصرت خدا و فتح و ظفر نوید می‌دهد و گوش آنها را همواره با صداهای نویدبخش قرآن آشنا می‌دارد:

﴿قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾<sup>۱</sup>؛

«بگو: منتظر باشید که ما هم منتظریم.»

﴿فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾<sup>۲</sup>؛

«منتظر باشید که ما هم با شما منتظریم.»

﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾<sup>۳</sup>؛

«منتظر باشید که من هم با شما منتظرم.»

خاص و عام، شیعه و سنی، از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود:

﴿لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ

۱. انعام، ۱۵۸.

۲. توبه، ۵۲.

۳. اعراف، ۷۱.

ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي يُوَاطِئُ  
اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا  
وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛<sup>۱</sup>

«اگر نماند از دنیا مگر یک روز، خداوند متعال آن روز  
را طولانی فرماید تا بیرون آید مردی از فرزندان من  
که نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من باشد، زمین را  
پر از عدل و داد می‌کند، همچنان که از جور و ظلم پر  
شده باشد».

این انتظار، ضعف و سستی و مسامحه در انجام تکالیف و وظایف نیست  
و عذر برای کسی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف  
و نهی از منکر نمی‌باشد، و سکوت و بی‌حرکتی و بی‌تفاوتی و تسلیم به  
وضع موجود و یأس و ناامیدی را هرگز با آن نمی‌توان توجیه کرد.

این انتظار، حرکت، نهضت، فداکاری، طرد انحراف و مبارزه با  
بازگشت به عقب و ارتداد است، مکتب زنده و سازنده اسلام و محمد،  
علی و زهرا و حسن و حسین و زین‌العابدین و تمام ائمه علیهم‌السلام و سایر  
اصحاب و یاران خاص و پیروان آنهاست. اگر نادانان یا مغرضان آن را  
به‌طور دیگر تفسیر کرده و آن را مکتب کناررفته‌ها و کنارگذاشته شده‌ها،

---

۱. طوسی، الغیبه، ص ۱۸۰ - ۴۲۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۶۷؛ ابن ابی‌جمهور  
احسانی، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۹۱؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۳۸.

بیچاره‌ها، مایوسان، تن به خواری دادگان، چاپلوسان و دین‌فروشان معرفی کنند، خود در ردیف یهود، که مصداق:

﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾<sup>۱</sup>؛

«کلام‌ها و سخنان را از مواضع اصلی خود تحریف و

دگرگون می‌کنند».

می‌باشند، قرار داده‌اند.

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي  
الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن  
قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ  
سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ  
مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ﴾<sup>۲</sup>؛

«ای پیامبر! آنان که به زبان گفتند: ایمان آوردیم؛ ولی قلب‌هایشان ایمان نیاورد و به‌سوی کفر سرعت گرفته‌اند، تو را ناراحت نکنند و همچنین آن یهودیانی که حرف‌های تو را تحریف کرده و به دروغ، سخنان فتنه‌خیز برای قومی که پیش تو نیامده‌اند، نقل می‌کنند. اینان سخنان را مطابق میل و هوای نفس خود از مواضع اصلی‌اش تحریف می‌کنند».

۱. نساء، ۴۶.

۲. مائده، ۴۱.





---

**ارزش انتظار در  
قرآن و حدیث**

---



## ارزش انتظار در قرآن و حدیث

﴿قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَاسْتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾؛<sup>۱</sup>

«بگو: همه منتظرند، پس انتظار بکشید! زود باشد که بدانید راه راست پویان و کسانی که هدایت یافته‌اند، کیانند؟!».

﴿وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَاتَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ﴾<sup>۲</sup> وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾؛<sup>۲</sup>

«بگو به آنان که ایمان نمی‌آورند (از راه تهدید): عمل کنید به حال خود، ما هم عمل می‌کنیم و منتظر باشیم، ما هم منتظریم».

حضرت امام جعفر صادق ع فرمود:

﴿إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَحْيِيهَا اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ

۱. طه، ۱۳۵.

۲. هود، ۱۲۱ - ۱۲۲.

سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ  
 وَلْيَعْمَلْ بِاللُّوْعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ؛<sup>۱</sup>  
 «البته که برای ما دولتی است که وقتی خدا خواست  
 آن را می آورد. هر کس شاد می شود که از اصحاب  
 قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و باید کار به پارسایی  
 و اخلاق نیک کند و منتظر باشد».

امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«تَمْتَدُّ الْعَبِيَّةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ  
 أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْأَيَّامُ بَعْدَهُ عليه السلام، إِنَّ أَهْلَ  
 زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ  
 أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ»؛<sup>۲</sup>

«غیبت ولی خدا و دوازدهمین وصی پیغمبر خدا  
 و امامان بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله امتداد پیدا می کند. اهل  
 زمان غیبت آن حضرت که معتقد به امامت و منتظر  
 ظهور او باشند، از اهل هر زمان برترند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛<sup>۳</sup>

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۰؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۱۰.  
 ۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۰؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۱۸.  
 ۳. صدوق، کمال الدین، ص ۲۸۷؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۹۲؛ صافی گلپایگانی،  
 منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۱۴.

«برترین عبادت انتظار فرج (و پایان نابسامانی‌ها  
و دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و ظهور دولت حقّه حضرت  
مهدی علیه السلام و برقراری مطلق نظام اسلامی) است».

## ارزش انتظار

بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار است؛ و اگر  
از انتظار بیرون بیاید و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش  
مفهومی نخواهد داشت و بی‌هدف و بی‌مقصد می‌شود.

حرکت و انتظار در کنار هم می‌باشند و از هم جدا نمی‌شوند؛ انتظار  
علّت حرکت و تحرک‌بخش است. آنچه مورد انتظار است، هرچه  
مقدس‌تر و عالی‌تر باشد، انتظارش نیز ارزنده‌تر و مقدّس‌تر خواهد بود  
و ارزش مردم را باید از انتظاری که دارند، شناخت:

یکی انتظارش این است که پایان سال شود و رتبه‌ای بگیرد و حقوق  
و جیره‌اش زیاد شود.

یکی دیگر انتظارش این است که پایان سال تحصیلی برسد، گواهی‌نامه  
و مدرکی بگیرد و به‌وسیله آن، کار و شغل مناسبی تهیه نماید.

یکی منتظر است وضعیتش روبه‌راه شود تا خانواده تشکیل دهد  
و همسری اختیار کند و از مجرد و تنهایی خود را خلاص سازد.

دیگری منتظر است درآمدش بیشتر شود، خانه شخصی، ماشین

سواری و ... خریداری کند؛ یا اگر همت و نظرش بلند باشد، بیمارستان یا مسجد یا مدرسه یا کتابخانه و دارالعلمی تأسیس کند.

یک نفر انتظار دارد در فلان مناقصه یا مزایده برنده شود.

خلاصه همه منتظرند؛ کاسب منتظر؛ کشاورز منتظر؛ کنتراتیچی منتظر؛ باغ‌دار منتظر؛ صنعتگر منتظر؛ پدر، مادر و معلم همه منتظرند؛ بلکه ملت‌ها و جامعه‌ها و حکومت‌ها همه منتظرند.

رژیم‌های سرمایه‌داری انتظار دارند که قدرشان بیشتر گسترش یابد و دنیا را شدیدتر به زیر یوغ بی‌رحم استثمار خود بکشند و خون ضعفا را بمکند.

رژیم‌های کمونیستی منتظرند انقلاب کمونیستی همه‌جا را زیر چتر خود بگیرد، و شدت فقر و جنگ و اختلاف طبقاتی تحول ایجاد کرده، اوضاع را به نفع آنها عوض کند تا کمونیسم، آزادی‌های فردی و حرمت انسانی را در کام خود فرو برد و افراد جامعه مانند یک ماشین یا یک مرکز دامداری که وسایل خوراک و فربه‌شدن و خوردن و چریدن در آن فراهم شده باشد، منهای انسانیت زیست کنند.

دانشجویان واقعی و محققان منتظرند با نیروی تفکر و اندیشه، مشکلات علمی را حل کرده و هرچه بیشتر بر دانش و درک خود بیفزایند و دایره معلومات را توسعه دهند.

پزشک باایمان منتظر است نتیجه معالجات خود را در بیمارش ببیند.

﴿قُلْ كُلُّ مُرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا﴾؛<sup>۱</sup>

«بگو: همه منتظرند پس منتظر باشید».

اگر انتظار در این دنیا که عامل تدریج و تدرّج، تأثیر و تأثر، فعل و انفعال، و گذشت زمان است، از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات برایش بی لذّت و بی معنا است.

انتظار است که زندگی را لذّت بخش و باروح و بامعنا می سازد و شخص را به زندگی علاقه مند می نماید.

یک درخت تا وقتی انتظار می رود رشد کند و سایه داشته باشد و میوه بدهد، باقی می ماند؛ ولی وقتی از میوه دادن و از نمو و ترقی افتاد، آن را قطع می نمایند و به جایش نهالی می نشانند که تا سالها چشم انتظار به رشد و نمو میوه آن بدوزند و آن را پرورش دهند و آبیاری کنند.

پس همه جهان و همه جامعه ها و همه مردم و افراد، تا هستند و در سرایشی سقوط و انقراض و فنا و مرگ و نیستی وارد نشده اند، منتظرند و باید منتظر باشند.

## اسلام و انتظار

اسلام که تعلیمات و هدایت هایش بر اساس فلسفه های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را، پشتوانه بقای جامعه ای مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام

قرار داده است؛ و انتظار آینده بهتر و عصر فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است و رسول خدا ﷺ در حدیث شریف:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»<sup>۱</sup>

«برترین کارهای امتم انتظار فرج است».

انتظار فرج را افضل اعمال امت خود معرفی فرموده است.

آن هنگام که پیغمبر بزرگ اسلام ﷺ درحالی که غیر از علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و عموی بزرگوارش ابوطالب، از مردها یارویاور دیگر نداشت و مردم را به خدا و دین توحید دعوت می فرمود؛ آن هنگام که دست یافتن بر خزائن کسری و قیصر، آن هم برای مردمی محروم و مستضعف، جزء محالات عادی محسوب می شد؛ و در آن هنگامی که به جای همکاری و قبول آن دعوت نجات بخش و آزادساز توحیدی، از مردم دشنام و ناسزا و اهانت می شنید و رنج و آزار و اذیت می دید، مردم را به آینده درخشان این امت نوید می داد و وعده می داد که کلمه توحید را بگویند تا رستگار شوید: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» تا عرب خاضع شما گردد و عجم به شما جزیه بدهد. سوگند یاد می کرد که گنج های کسری و قیصر در اختیار شما قرار خواهد گرفت.

و پیروانش با سرمایه و اسلحه انتظار رو به سوی آینده و قدم به پیش قرار

۱. صدوق، کمال الدین، ص ۶۴۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۵۲۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸.



داده بود و در برابر سیل مخالفت‌ها و شیظنت‌ها، قطع ارتباطها و محاصره‌ها، شکنجه‌ها و آزارهای بدنی مسلح، به مقاومت و ایستادگی حتی تا ترک مال و خانه و شهر و مسکن در راه اسلام و هدف‌های توحید آن، تشویق می‌کرد و از پیروزی حقّ و مغلوب‌شدن باطل سخن می‌راند.

این انتظار و ایمان به این وعده‌های الهی بود که مسلمانان را در میدان‌ها فاتح و جانباز و فداکار کرد.

مسلمانان در انتظار این روزهای درخشان، آن روزهای سخت و تلخ و پر از مصیبت را پشت‌سر گذاشته و جلو رفتند.

قرآن مجید در آیات متعددی، مسلمانان را به انتظار آینده گذارده و آینده بهتر را به این امت نوید داده است و آینده‌گرایی را تعلیم می‌فرماید.

از جمله در این آیه نوید می‌دهد که هرگاه خطر ارتجاع پیش آید و از مسلمانان، افرادی مرتد و بی‌دین شوند و از دین برگردند، خدا قوم و گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنها خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان فروتن هستند، نسبت به کفار، عزیز و غالب و خوددار و غیرقابل‌انعطاف می‌باشند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت و سرزنش ملامت‌کنندگان بیم ندارند؛ که آیه ذیل مشعر بر این مطلب است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ  
فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى  
الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ

اللّهِ وَلَا يَخَافُونَ تَوْمَةً لَا بِإِسْمِ ذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ يَوْمَهُ مِنَ  
 إِشَاءِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرکس از شما، از آیین خود بازگردد (به خدا زبانی نمی‌رساند) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند آنها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست.»

در این آیه که خطر ارتداد و بی‌دینی و بازگشت به سوی کفر و شرک و فحشا و بشرپرستی و سنن و رسوم باطل شده، به وسیله اسلام مطرح شده است، قیام گروهی مجاهد را که با ارتجاع مبارزه کنند و آن را سرکوب نمایند، نوید داده و مسلمانان حقیقی را در برابر این مرض مهلک و خطرناک، با انتظار و اعلام آینده سالم و شکست ارتجاع و پیروزی دوستان خدا، مصونیت بخشیده است.

و نیز آیه:

﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَلُّنَا الدِّكْرَ وَإِنَّا لَلْحَافِظُونَ﴾<sup>۲</sup>؛

۱. مائده، ۵۴.

۲. حجر، ۹.

«همانا ما قرآن را فرو فرستادیم و خود نیز آن را حفظ

خواهیم کرد».

خبر از حفظ قرآن مجید و رسالت اسلام و این دین و آیین مقدس می‌دهد و مخصوص به یک دوره و عصر نیست و تا ابد و تا هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل جامعه جهانی اسلام، این آیه نویدبخش و امیدوارکننده است که در هیچ حال و شرایطی مسلمانان نباید ناامید باشند، بقای این دین برحسب سنن الهی و وعده‌های خدا و رسول خدا تضمین شده است.

اگر بازگشت به عقب و ارتداد و رجعت به جاهلیتی پیش بیاید و در بین ملل مسلمان، صدای افتخار به دوره‌های جاهلیت و زنده کردن رسوم پیش از اسلام بلند بود، و اگر به هر شکل و وضع، بیگانگان یا افرادی که در شمار مؤمنان بوده و به ارتداد و فساد روی نهاده‌اند، بخواهند پیشرفت و جهان‌گیر شدن انقلاب الهی اسلام را متوقف کنند، یا از بین ببرند و شعائر اسلام را تعطیل و در فراموشی اندازند، قانون خلقت و صدای وجدان و فطرت و اراده الهی، گروهی مصمم و باعزیمت را که خدا آنها را دوست دارد و آنها خدا را دوست می‌دارند، برای حمایت این دین و جهانی‌شدن این انقلاب و روشن نگاه داشتن این چراغ بر می‌انگیزد.

از هنگام رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا حال، تاریخ اسلام مصادیق و نمونه‌های بسیاری از آنچه در این آیه پیش‌بینی شده است، نشان

می‌دهد و ارتداد در صورت‌های مختلف، دعوت اسلام را تهدید کرده و بلکه به ظاهر متوقف ساخت؛ ولی چنان‌که در این آیه خداوند متعال وعده فرموده است، هر مرتبه، ارتداد به وسیله افرادی الهی و مخلص و فداکار سرکوب شده و خطر خاموش شدن صدای دعوت اسلام مرتفع گشت. ارتداد و عقب‌گردی که پس از رحلت پیغمبر ﷺ<sup>۱</sup> مخصوصاً در امر خلافت و رژیم حکومتی اسلام پیش آمد و منتهی به عثمان‌ها و

۱. برحسب اخبار مستفیض و بلکه متواتر حوض که در معتبرترین جوامع حدیث اهل سنت، مثل صحیح البخاری و صحیح مسلم و الموطأ مالک و مسند احمد روایت شده است، رسول اعظم اسلام ﷺ خیر داد که گروهی از اصحابش پس از وفات آن حضرت بی‌دین و مرتد گردیده، و بازگشت به عقب و قهقرا می‌نمایند، و صدق خبر پیغمبر ﷺ ظاهر گشت.

هنوز جسد اطهر پیغمبر ﷺ دفن نشده بود که مرتجعان وارد میدان شده، و برنامه‌هایی را که پیغمبر در امور ولایت و رهبری امت و لزوم تمسک به کتاب و عترت اعلام فرموده بود کنار گذارده و سقیفه بنی‌ساعده، نخستین مظهر رسمی این ارتجاع گردید.

و این همان ارتجاعی است که زهرای مرضیه علیها السلام در آخر خطبه تاریخی در مسجد مدینه آن را محکوم فرمود و از جمله فرمود: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ انبِيَاءِهِ وَمَأْوَىٰ اَصْفِيَاءِهِ، ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسَكَةُ الْيَفَاقِ، وَسَمَلُ جَلْبَابِ الدِّينِ، وَنَطَقَ كَاظِمُ الْعَاوِيْنَ، وَتَبَعَ خَامِلُ الْاَقْلِيْنَ، وَهَدَرَ فَيْقُ الْمُبْطِلِيْنَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَاَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَاسَهُ مِنْ مَعْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ، فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِيْنَ...»؛ «وقتی خدا جان پیامبر خود را قبض کرد، قومی به عقب برگشته و راه ارتجاع پیش گرفتند و راه‌های گوناگون، آنها را گمراه کرد و به بیگانه اعتماد کردند و با غیر رحم پیوند نمودند، و سبب و وسیله‌ای را که مأمور به مودت و دوستی آن بودند، ترک کردند و بنا را از اساسش کنده و در غیر جایگاه خود بنا نمودند.» طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۶ - ۱۳۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۵.

و در مکتوبی که به معاویه مرقوم فرموده است: پیروانش را که پس از رهبران گذشته این ارتداد، وارث آنان شد، نکوهش نموده و می‌فرماید:

«فَجَارُوا عَنْ وَجْهَتِهِمْ وَنَكَصُوا عَلَىٰ اَعْقَابِهِمْ، وَتَوَلَّوْا عَلَىٰ اَدْبَارِهِمْ، وَعَوَّلُوا عَلَىٰ اَحْسَابِهِمْ»؛ «کسانی که گرفتار مکر و خدعه معاویه و اضلال او شدند، از راه خدا برکنار گردیده و به قهقرا برگشته و راه ارتداد و ارتجاع پیش گرفته و به حسب‌های پست و بی‌مایه و الغاشده، اعتماد کردند». نهج البلاغه، نامه ۳۲ (ج ۳، ص ۷۵).

معاویه‌ها و یزیدها و سایر بنی‌امیه و بنی‌عباس و ستمگران دیگر شد و نظام سیاست و حکم و اداره جامعه اسلامی را به نظام حکومت‌های قیصرها و کسری‌ها برگرداند، ابتدا با مقاومت و مخالفت رسمی افرادی انگشت‌شمار به رهبری علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام روبه‌رو شد، و پس از آن، - اگرچه عقب‌گرد از دین به‌مرور زمان گسترش یافت؛ ولیکن کسانی که از آن بازگشته و به گروه علی علیه السلام و وفاداران حقیقی انقلاب اسلام ملحق گردیدند، زیاد شدند و با قیام مسلمانان انقلاب‌خواه علیه عثمان، حکومت علی علیه السلام فرهنگ جاهلی را در یک قدمی نیستی و فنا قرار داد؛ اما بازمانده و وارث حقیقی جاهلیت (معاویه) دوباره پرچم ارتداد را برافراشت و از آن به بعد، اگرچه جاهلیت ریشه‌کن نگردید، و اسلام نیز تا حال به هدف‌های بزرگ خود نرسیده و انقلابش کامل نگشته و در بین راه است و باید منتظر آینده بود تا آن مصلح حقیقی و منتظر موعود بیاید و انقلاب اسلام را عالم‌گیر ساخته و حکومت جهانی الهی را تشکیل دهد؛ ولی همواره تحت‌تأثیر همین تعالیم اسلام و برنامه انتظار، مبارزه با ارتداد و جاهلیت جریان داشته و دارد و در صورت‌های مختلف از تسلط کامل و تمام‌عیار جاهلیت جلوگیری شده است که شهادت سیدالشهدا علیه السلام و قیام مقدس حسینی علیه بنی‌امیه، کاری‌ترین ضربت‌ها بر پیکر ارتدادی بود که به‌وسیله بنی‌امیه رهبری می‌شد.

ما در اینجا نمی‌خواهیم تاریخ این مقاومت‌ها و مبارزه‌ها را در عصر

بنی‌امیه و بنی‌عباس و ادوار مختلف شرح دهیم، و از نقش اهل‌بیت و برنامه‌ها و تعالیم ائمه طاهرین علیهم‌السلام که بیشتر به‌صورت مبارزه منفی بسیار دقیق به حملات خلفای جور علیه موجودیت اسلام و حقایق و اهداف مقدّس این دین پاسخ داده و مدافعه می‌نماید، چیزی بگوییم؛ ولی باید متذکّر شویم که روش مبارزه منفی آنها، اکنون هم مؤثرترین روش مبارزه با دشمنان داخلی، منافقان و دشمنان خارجی است و نتایج مهمی نیز داشته است. مثلاً به زندان افتادن امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام به‌شدّت ارکان جاهلیتی را - که به وسیله هارون دیکتاتور و با آن‌همه قدرت و توسعه قلمرو حکومت استبدادی نگهداری می‌شد - لرزاند.

بیان کامل این مطلب، حداقل به یک کتاب مفصل نیاز دارد که فعلاً در پی آن نیستیم؛ بلکه فقط می‌خواهیم متذکّر شویم که انتظار و مثل این وعده‌هایی که در این آیه کریمه و آیات دیگر است، یکی از پایه‌های مهم و زنده مبارزه علیه فساد، در جامعه اسلام بوده، که آن را باید سرچشمه مقاومت‌ها و منبع تحرکات و مبارزات ایجابی و سلبی اهل حقّ با اهل باطل شمرد که مسلمان هیچ‌گاه کار اسلام و انقلاب آن را پایان‌یافته و تمام‌شده نخواهد دانست، و همواره به مضمون آیه کریمه:

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ  
إِلَّا أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛<sup>۱</sup>

«کافران می‌خواهند نور خدا را با گفتار جاهلانه خود  
خاموش کنند ولی خداوند نمی‌خواهد، مگر آنکه نور  
خود را به پایان برساند؛ اگرچه کافران کراهت دارند».

تلاش‌های دشمنان و منافقان نقش بر آب و نور خدا در اتمام و  
گسترش خواهد بود.

### انتظار جامعه شیعه

مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً منتظرند که سراسر گیتی را عدل  
و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فراگیرد و آن رهبری که وعده  
ظهور او در قرآن و صدها حدیث معتبر وارد شده است، ظاهر شود  
و آیین توحیدی اسلام را که در شرق و غرب جهان وارد شده است،  
ظاهر کرده و گسترش دهد، و امت واحد، حکومت واحد، قانون واحد،  
نظام واحد تمام افراد بشر را متحد، هم‌صدا، هم‌قدم و به هم پیوسته سازد.  
این عقیده به ظهور مصلح منتظر، حضرت مهدی موعود علیه السلام  
- چنان‌که در روایات به آن اشاره شده است - شیعه را در جریان زمان  
برای مقاومت در برابر صدمات و لطماتی که بر هر دعوتی وارد می‌شد  
و آن را متلاشی می‌کرد، پرورش داد و فکر شیعه را که فکر خالص  
اسلامی است، و جامعه شیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت و تا  
امروز این فکر و این عقیده و ایمان عامل بقای شیعه و پایداری  
و استقامت اوست.

با آن وضع جان‌گرای حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس روبه‌رو شده بودند و تمام حیثیات و شئون ظاهری و اجتماعی آنها لغا شده، و از همه مشاغل محروم، و در همه‌جا مورد تعقیب و زیر نظر جاسوسان حکومت قرار گرفته، و کمترین مجازات آنها زندان بود، تا مجازات‌های شدید از بریدن دست و پا و زبان و بینی، و شکنجه‌های غیرقابل تحمل دیگر.

آن شیعیان، اگر منتظر و آینده‌بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت، و شکست باطل و ستم نداشتند، باینکه همه‌چیز را از دست‌رفته می‌دیدند، هرگز بر ایشان حال مقاومت باقی نمی‌ماند و همه حتی در دل شکست‌خورده و تسلیم می‌گشتند و از دگرگون‌شدن وضاع و عوض شدن و ورق‌خوردن صفحه تاریخ ناامید می‌گردیدند و ریشه هر نهضت و حرکت و پایداری در آنها خشک می‌شد.

اما پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام وعده داده و قرآن مجید نیز بشارت داده است که این دین پایدار می‌ماند و این راه بسته نمی‌شود و این نزاع و نبرد حق و باطل، با غلبه ظاهری جباران تاریخ مانند یزید و ولید و زیاد و حجاج و هارون و دیگران پایان نمی‌پذیرد.

و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام تا امروز ریشه تمام حرکات و نهضت‌های شیعه و مسلمین علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است، که می‌بینیم همیشه از میان



شکست‌ها، پیروزی‌هایی آشکار و در عین ذلّت ظاهری، پرتو و شعاع عزّت و سربلندی و آقایی نمودار شده و اراده‌ها و همت‌ها به حرکت و جنبش درمی‌آید و افراد بااراده و مصمم و متعهد وارد میدان می‌شوند؛ و هرچه دشمنان حقّ و عدالت، مسلمانان را می‌کشند و به زندان می‌اندازند و هرگونه شکنجه و عذابی را درباره آنها اجرا می‌نمایند و آنها را از اجرای قوانین اسلام و برقرارکردن شعائر دینی با زور و تطمیع باز می‌دارند و تعلیم و تربیتشان و مطبوعات و تبلیغات و تمام وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی را ضداسلامی و منحرف‌کننده می‌سازند؛ در ایران، الجزایر، اندونزی، فیلیپین، اوگاندا، اتیوپی، فلسطین و نقاط دیگر باز هم مبارزه ادامه می‌یابد تا ملت‌هایی مثل ایران، الجزایر و اندونزی آزاد می‌شوند. این است فلسفه بزرگ اجتماعی انتظار ظهور و این است یکی از اسرار غیبت حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام و از این جهت است که ثواب منتظران مانند ثواب مجاهدان و بلکه شهیدان بدر و اُحد است.

و این است که از نظر یک فرد مسلمان در هر شرایط و اوضاع نامساعد و ناگواری که جلو بیاید، کار اسلام خاتمه‌یافته تلقی نمی‌شود و روز این دین به آخر نمی‌رسد.

و این است همان فلسفه‌ای که در ادیان گذشته نیز مایه امیدواری پیروان آنها و مشوّق آنان به استقامت و پایداری و مقاومت و جهاد بوده است و درحقیقت، انتظار فلسفه محکم و استواری است که در

تمام ادیان موردتوجه بوده و به آن عقیده داشته‌اند و از سنن و نوامیس ثابتی است که همه ادیان آسمانی در بقای خود از آن مایه گرفته‌اند و همه در انتظار آینده عالی‌تر و بهتر بوده‌اند و ظهور اسلام، این دین جامعه، به تمام آنها نوید داده شد؛ تا وقتی خورشید جهان تاب اسلام طلوع کرد و عالم و تمام پیروان ادیان از انتظار آن بیرون آمدند، در اسلام نیز که آخرین رسالت‌ها و ادیان است، مسئله انتظار، این فلسفه بزرگ در ظهور مصلح و منجی آخرالزمان و ولیّ دوران حضرت مهدی علیه السلام که در بیت رسالت و از فرزندان علی و فاطمه و حسن و حسین و نهمین فرزند حسین است، خلاصه شد.

### عامل بقا

بنابراین - چنان‌که از بررسی‌های عمیق و دقیق در تاریخ و فلسفه ادیان و قرآن کریم و احادیث و روایات استفاده می‌شود - فلسفه انتظار مانند یک عامل و ماده حیاتی مهم در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز بقا و موجودیت آنان بوده است و اکنون هم از عوامل بقای جامعه مسلمین است.

### دیدگاه وسیع

درضمن، این انتظار است که دیدگاه وسیع و افق نظر بلند مسلمانان و مخصوصاً شیعیان را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که بسیاری از مردم و ملل

دیگر انتظار می‌برند که بر ملل دیگر مسلط شده و آنها را استعمار نمایند. و درحالی‌که هریک از شرق و غرب در انتظار روزی هستند که حریفشان از پا درآید و جهان مسخر هوا و هوسشان گردد.

و در هنگامی که کمپانی‌های بازرگانی و حکومت‌های زیر نفوذ آنها انتظار می‌کشند، دنیا بازار تجارت آنها شود و بشر در عالم اقتصاد برده آنها گردد. و در وقتی که گروه‌های بسیاری در جهان، امروز بی‌هدف در کنار کاباره‌ها و سینماها و تماشاخانه‌ها صف کشیده و دقیقه‌شماری می‌کنند و در انتظارند که در این اماکن فساد به رویش باز شود و به این ترتیب، هستی خویش را تباه می‌کنند.

در این هنگام، مسلمان آگاه و روشن‌فکر و شیعه متعهد و مبارز، در انتظار روزی است که جهان به زیر پرچم حق و عدالت و توحید و حکومت جهانی اسلام و احکام خدا درآید و تمام بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها نابود گردد و این فاصله‌های پوچ از میان خلق خدا برداشته شود.

مسلمانان انتظار روزی را می‌کشند که فقر و بدبختی، و جهل و نادانی از سراسر جهان ریشه‌کن گردد و بیش و بصیرت جامعه، کامل و افراد صالح و رشید و دادگر، زمامدار و مصادر امور باشند، و اختلافات جغرافیایی و ملی و دینی، و سیاست‌ها و رژیم‌ها و مسلک‌های باطل از بین برود.

این بینش و مقصد و هدف و انتظار مسلمانان است که خیر و سعادت عموم، عصر آزادی، برابری همگان و آسایش و رفاه، علم و ترقی، و عدالت و نیک‌بختی را برای تمام افراد بشر خواهان است.

این انتظار، شخص را متعهد و مسئول می‌سازد که برای تحقق هدف‌های اسلام و عملی‌شدن برنامه‌های دین، بدون هیچ یأس و ضعف و سستی و ناامیدی، شب و روز کوشش نماید و فداکاری کند تا بلکه یک گام به‌سوی مقاصد متعالی اسلام جلو برود.

این انتظار، شخص را محکم و مقاوم، بااراده، نفوذناپذیر، مستقل، شجاع و بلندهمت می‌سازد.

این انتظار، لفظ نیست؛ گفتن نیست؛ عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبایی و مقاومت است.

## نیمه شعبان

نیمه شعبان، عید انتظار، عید نور، عید نهضت و آماده‌شدن برای جهاد بیشتر، مقاومت‌های سخت‌تر؛ و جشن و چراغانی آن، اعلان نشاط، آگاهی، روشنی ضمیر، توجه منتظران و نمایش شادمانی‌ها و زوال تاریکی‌ها در جامعه جهانی اسلام است.

کسی که منتظر است، باید به‌سوی آن رستاخیز عظیم و بی‌مانند قدم بردارد و آماده شود و از هر فرصتی بهره‌برداری نماید، و دین خدا و احکام خدا و آنچه را که به صاحب وقت و ولی عصر علیه السلام انتساب دارد، از مال و جان و فرزند و مقام خود گرامی‌تر بدارد و برای حفظ و نگاه‌داری آن کوشا تر باشد، و باید جشن و چراغانی و تبلیغات

و سخنرانی‌ها و مجالس و محافل نور، این انتظار حقیقی را در دل‌ها روشن‌تر سازد و بر نشاط و تعهد و مقاومت جامعه بیفزاید.

کسی که منتظر است، به معانی بزرگی که از جشن و چراغانی نیمه شعبان در نظر است، التفات داشته و هدف و مقصد را فراموش نمی‌نماید، و جشن و چراغانی را وسیله سرگرمی قرار نمی‌دهد، و به‌جای وظایف خطیر و مسئولیت‌های مهمی که در برابر خدا و قرآن و شخص حضرت ولی عصر علیه السلام و اسلام و تشیع دارد، به مراسم خشک و خالی جشن و چراغانی اکتفا نمی‌کند، و از حقیقت و درسی که از این مراسم باید گرفت غافل نخواهد ماند، تا خدای نخواستہ دشمنان یا نادانان، این مراسم و بلکه اصل انتظار را عوضی تفسیر نمایند و آن را عامل سکوت و رکود و ترک امر به معروف بشمارند.

این جشن‌ها و چراغانی‌ها باید اعلان وفاداری به اسلام و تصمیم محکم به مقاومت در برابر نقشه‌های ضداسلام، و ابراز علاقه به قرآن، و مطالبه حقوق اسلامی، و هم‌صدایی و اتفاق و اتحاد باشد.

این مراسم که در نهایت خلوص صورت می‌گیرد، اعلام خواسته‌های حقیقی جامعه، مخالفت همگان با نظام‌های نامشروع، و موافقت آرای عموم با نظام خالص و صحیح اسلامی است، که باید همیشه و در تمام مواقع و فرصت‌ها ابراز شود.

وَالسَّلَامُ عَلَى نَامُوسِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَالْإِمَامِ  
الثَّانِي عَشَرَ، أَبِ الْوَقْتِ وَمَوْلَى الزَّمَانِ، الَّذِي هُوَ  
لِلْحَقِّ أَمِينٌ وَلِلْخَلْقِ أَمَانٌ، مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا صَاحِبِ  
الزَّمَانِ، أَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ وَعَجَّلَ اللَّهُ  
تَعَالَى فَرَجَهُ، وَجَعَلْنَا مِنْ شِيعَتِهِ وَأَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ.

قم المشرفه، حرم الائمة عليه السلام

لطف الله صافی گلپایگانی

١٣٩٨ هـ . ق

## كتاب نامه

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغة، الامام على بن ابي طالب عليه السلام، الشريف الرضى، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢ق.
٣. الاحتجاج، طبرسى، احمد بن على (م. ٥٦٠ق.)، تحقيق سيد محمدباقر موسوى خرسان، النجف الاشرف، دارالنعمان، ١٣٨٦ق.
٤. احياء علوم الدين، غزالى، محمد بن محمد (م. ٥٠٥ق.)، بيروت، دارالكتاب العربى.
٥. الاستيعاب فى معرفة الاصحاب، ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبى (م. ٤٦٣ق.) تحقيق على محمد بجاوى، بيروت، دارالجيل، ١٤١٢ق.
٦. اقبال الاعمال، ابن طاووس، سيد على بن موسى (م. ٦٦٤ق.)، تحقيق جواد قيومى، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤١٤ق.
٧. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، مجلسى، محمدباقر (م. ١١١١ق.)، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.

٨. **بشارة المصطفى ﷺ لشيعته المرتضى عليه السلام**، طبري، محمد بن ابى القاسم (م). ٥٢٥ق.، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، ١٤٢٠ق.
٩. **تاريخ الامم و الملوك**، طبري، محمد بن جرير (م). ٣١٠ق.، تحقيق گروهی از دانشمندان، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٣ق.
١٠. **جامع السعادات**، نراقي، محمدمهدى (م). ١٢٠٩ق.، تحقيق سيد محمد كلانتر، النجف الاشرف، دارالنعمان.
١١. **الجامع الصغير في احاديث البشير النذير**، سيوطي، جلال الدين (م). ٩١١ق.، بيروت، دارالفكر، ١٤٠١ق.
١٢. **الخصال**، صدوق، محمد بن علي (م). ٣٨١ق.، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٣ق.
١٣. **خصائص الائمة عليهم السلام**، سيد رضی، محمد بن حسين (م). ٤٠٦ق.، تحقيق محمدهادي اميني، مشهد، آستان قدس رضوي، ١٤٠٦ق.
١٤. **السيرة النبويه**، ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م). ٧٧٤ق.، تحقيق مصطفى عبدالواحد، بيروت، دارالمعرفة، ١٣٩٦ق.
١٥. **صحيح البخاري**، بخاري، محمد بن اسماعيل (م). ٢٥٦ق.، بيروت، دارالفكر، ١٤٠١ق.
١٦. **عوامل العلوم و المعارف و الاحوال (الامام الحسين عليه السلام)**، بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م). قرن ١٢، قم، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، ١٤٢٥ق.



۱۷. *عوالی اللئالی العزیزة فی الاحادیث الدینیہ*، ابن ابی جمہور احسائی، محمد بن علی (م. ۸۸۵ق.)، تحقیق مجتبی عراقی، قم، مطبعة سيدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
۱۸. *الغیبه*، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق.)، تحقیق عبداللہ تهرانی، علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۱۹. *الغیبه*، نعمانی، محمد بن ابراهیم (م. ۳۶۰ق.)، تحقیق فارس حسون کریم، قم، انتشارات انوار الهدی، ۱۴۲۲ق.
۲۰. *کشف الغمہ فی معرفۃ الائمه علیہ السلام*، اربلی، علی بن عیسی (م. ۶۹۳ق.)، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
۲۱. *کمال الدین و تمام النعمه*، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق.)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۲۲. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، طبرسی، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق.)، تحقیق عده ای از محققین، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ق.
۲۳. *مصباح المتہجد*، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق.)، بیروت، مؤسسه فقه الشیعہ، ۱۴۱۱ق.
۲۴. *مناقب آل ابی طالب*، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۸۸ق.)، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.
۲۵. *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیہ السلام*، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم،

مركز نشر و توزيع الآثار العلمية في مكتب سماحة آية الله الصافي  
الكلبيگانی، ١٤٣٠ق.

٢٦. *ينابيع المودة لنبي القربي*، قندوزي، سليمان بن ابراهيم (م. ١٢٩٤ق.)،  
تحقيق سيد علي جمال اشرف حسيني، دارالاسوة، ١٤١٦ق.

## آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف

### در یک نگاه

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
<b>قرآن و تفسیر</b>			
۱	تفسیر آیة فطرت	فارسی	—
۲	القرآن مصون عن التحریف	عربی	—
۳	تفسیر آیة التطهیر	عربی	—
۴	تفسیر آیة الانذار	عربی	—
۵	پیامهای قرآنی	فارسی	—
<b>حدیث</b>			
۶	منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر <small>علیه السلام</small> در ۳ جلد	عربی	اردو/انگلیسی
۷	غیبة المنتظر	عربی	—
۸	قبس من مناقب امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> (مئة و عشر حدیث من کتب عامه)	عربی	فارسی
۹	پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در حدیث	—	فارسی
۱۰	احادیث الائمة الاتنی عشر، اسنادها و الفاظها	عربی	—
۱۱	احادیث الفضائل	عربی	—
<b>فقه</b>			
۱۲	توضیح المسائل	فارسی	—
۱۳	منتخب الاحکام	فارسی	—

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
۱۴	احکام نوجوانان	فارسی	انگلیسی
۱۵	جامع الاحکام در ۲ جلد	فارسی	—
۱۶	استفتائات قضایی	فارسی	—
۱۷	استفتائات پزشکی	فارسی	—
۱۸	مناسک حج	فارسی	عربی
۱۹	مناسک عمره مفرده	فارسی	عربی
۲۰	هزار سؤال پیرامون حج	فارسی	—
۲۱	پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد	فارسی	آذری
۲۲	احکام خمس	فارسی	—
۲۳	اعتبار قصد قربت در وقف	فارسی	—
۲۴	رساله در احکام ثانویه	فارسی	—
۲۵	فقه الحج در ۴ جلد	عربی	—
۲۶	هدایة العباد در ۲ جلد	عربی	—
۲۷	هدایة السائل	عربی	—
۲۸	حواشی علی العروة الوثقی	عربی	—
۲۹	القول الفاخر في صلاة المسافر	عربی	—
۳۰	فقه الخمس	عربی	—
۳۱	أوقات الصلوة	عربی	—
۳۲	التعزیر (احکامه و ملحقاته)	عربی	—
۳۳	ضرورة وجود الحكومة	عربی	فارسی
۳۴	رسالة في معاملات المستحدثة	عربی	—
۳۵	التداعي في مال من دون بينة و لا يد	عربی	—
۳۶	رسالة في المال المعين المشتبه ملكيته	عربی	—
۳۷	حكم نكول المدعى عليه عن اليمين	عربی	—
۳۸	ارث الزوجة	عربی	—
۳۹	مع الشيخ جاد الحق في ارث العصبه	عربی	—

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
۴۰	حول دیات ظریف ابن ناصح	عربی	—
۴۱	بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعیة الاستخارة)	عربی	—
۴۲	الرسائل الخمس	عربی	—
۴۳	الشعائر الحسينية	عربی	—
۴۴	آنچه هر مسلمان باید بداند	—	آذری
<b>اصول فقه</b>			
۴۵	بیان الاصول در ۳ جلد	عربی	—
۴۶	رسالة في الشهرة	عربی	—
۴۷	رسالة في حكم الاقل و الاكثر في الشبهة الحكمية	عربی	—
۴۸	رسالة في الشروط	عربی	—
<b>عقاید و کلام</b>			
۴۹	عرض دین	فارسی	—
۵۰	به سوی آفریدگار	فارسی	—
۵۱	الهیات در نهج البلاغه	فارسی	—
۵۲	معارف دین در ۳ جلد	فارسی	—
۵۳	پیرامون روز تاریخی غدیر	فارسی	—
۵۴	ندای اسلام از اروپا	فارسی	—
۵۵	نگرشی بر فلسفه و عرفان	فارسی	—
۵۶	نیایش در عرفات	فارسی	—
۵۷	سفرنامه حج	فارسی	—
۵۸	شہید آگاه	فارسی	—
۵۹	امامت و مهدویت	فارسی	—
۶۰	نظام امامت و رهبری/۱	فارسی	—
۶۱	تجلی توحید در نظام امامت/۲	فارسی	عربی

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
۶۲	ولایت تکوینی و ولایت تشریحی/۳	فارسی	—
۶۳	پیرامون معرفت امام/۴	فارسی	—
۶۴	معرفت حجت خدا/۵	فارسی	—
۶۵	وابستگی جهان به امام زمان/۶	فارسی	—
۶۶	باورداشت مهدویت/۷	فارسی	عربی
۶۷	اصالت مهدویت/۸	فارسی	—
۶۸	نوید امن و امان/۹	فارسی	آذری
۶۹	عقیده نجات بخش/۱۰	فارسی	—
۷۰	انتظار، عامل مقاومت و حرکت/۱۱	فارسی	—
۷۱	به سوی دولت کریمه/۱۲	فارسی	—
۷۲	پاسخ به ده پرسش/۱۳	فارسی	—
۷۳	گفتمان مهدویت/۱۴	فارسی	انگلیسی
۷۴	فروغ ولایت در دعای ندبه/۱۵	فارسی	عربی
۷۵	پیام‌های مهدوی/۱۶	فارسی	—
۷۶	توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه	فارسی	انگلیسی
۷۷	گفتمان عاشورایی	فارسی	—
۷۸	مقالات کلامی	فارسی	—
۷۹	صراط مستقیم	فارسی	—
۸۰	الی هدی کتاب الله	عربی	—
۸۱	ایران تسمع فتجیب	عربی	—
۸۲	رسالة حول عصمة الانبياء و الائمة	عربی	—
۸۳	تعليقات على رسالة الجبر و القدر	عربی	—
۸۴	لمحات فى الكتاب و الحديث و المذهب	عربی	—
۸۵	صوت الحق و دعوة الصديق	عربی	—
۸۶	رد اكدوبة خطبة الامام علي عليه السلام ،	عربی	—

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
	علی الزهراء <small>علیها السلام</small>		
۸۷	مع الخطیب فی خطوطه العریضة	عربی	اردو / فرانسه
۸۸	رسالة فی البداء	عربی	—
۸۹	جلاء البصر لمن یتولی الائمة الاثنی عشر <small>علیهم السلام</small>	عربی	—
۹۰	حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقة	عربی	—
۹۱	من لهذا العالم؟	عربی	—
۹۲	بین العلمین، الشیخ الصدوق و الشیخ المفید	عربی	
۹۳	داوری میان شیخ صدوق و شیخ مفید	فارسی	
۹۴	مقدمات مفصلة علی «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقى الجمان»	عربی	—
۹۵	امان الامة من الضلال و الاختلاف	عربی	—
۹۶	البكاء علی الامام الحسین <small>علیه السلام</small>	عربی	—
۹۷	التقود اللطيفة علی الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة	عربی	—
۹۸	پیام غدیر	فارسی	—
<b>تربیتی</b>			
۹۹	عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان	فارسی	—
۱۰۰	راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)	فارسی	—
۱۰۱	با جوانان	فارسی	—
<b>تاریخ</b>			
۱۰۲	سیرحوزه های علمی شیعه	فارسی	—
۱۰۳	رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)	فارسی	—
<b>سیره</b>			
۱۰۴	پرتوی از عظمت امام حسین <small>علیه السلام</small>	فارسی	—

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
۱۰۵	آینه جمال	فارسی	—
۱۰۶	از نگاه آفتاب	فارسی	—
۱۰۷	اشک و عبرت	فارسی	—
<b>تراجم</b>			
۱۰۸	زندگانی آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی گلپایگانی	فارسی	—
۱۰۹	زندگانی جابر بن حیان	فارسی	—
۱۱۰	زندگانی بوداسف	فارسی	—
۱۱۱	فخر دوران	فارسی	—
<b>شعر</b>			
۱۱۲	دیوان اشعار	فارسی	—
۱۱۳	بزم حضور	فارسی	—
۱۱۴	آفتاب مشرقین	فارسی	—
۱۱۵	صحیفة المؤمن	فارسی	—
۱۱۶	سبأ المصطفی	فارسی	—
۱۱۷	در آرزوی وصال	فارسی	—
<b>مقاله‌ها و خطابه‌ها</b>			
۱۱۸	حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)	فارسی	—
۱۱۹	شب‌پرگان و آفتاب	فارسی	—
۱۲۰	شب عاشورا	فارسی	—
۱۲۱	صبح عاشورا	فارسی	—
۱۲۲	با عاشورایمان	فارسی	—
۱۲۳	رسالت عاشورایی	فارسی	—